بازخوانی یکپارچگی تاریخی- ساختاری در بافت تاریخی قزوین
بررسی و ارزیابی در محلات راه‌ری، خندق‌بار و خیابان

فاطمه فرحانی[۱]، رضا رحیم نیا[۲]*

۱. کارشناسی ارشد مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران

۲. استادیار گروه مرمت و احیاء بناهای تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران

*rahimnia@arc.ikiu.ac.ir ،کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۳۵۸۲-۰۶۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۶

تعداد صفحات: ۱۷

شناسه دیجیتال(doi): https://10.66224/kcr.8.3.97

فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حفاظت و مرمت

شاپای الکترونیکی: ۶۲۱۷-۳۰۶۰

شاپای چاپی: ۶۰۹۳-۲۵۳۸

این نشریه از قوانین Cope پیروی می کند. دسترسی به این مقاله برای همگان آزاد است. هرگونه استفاده غیرتجاری از آن در صورت ارجاع مناسب، مجاز شناخته می شود.

چکیده:

یکپارچگی به‌عنوان مؤلفه‌ای برای حفظ ارزش‌ها و اهمیت میراث‌فرهنگی، عاملی اساسی در فرایند حفاظت از میراث فرهنگی است. در شهرهای تاریخی با توجه به روند گسترش و توسعه، موضوع یکپارچگی و حفاظت اهمیت ویژه‌ای دارند. یکپارچگی می‌تواند باعث ایجاد تعادل میان حفاظت و توسعه شهری باشد. به خصوص در یکپارچگی تاریخی-ساختاری این موضوع قابل توجه جدی‌تر است. در حال حاضر متأسفانه با ازبین‌رفتن یکپارچگی ساختاریِ بافت‌های کهن، بسیاری از فضاهای شهری تحت‌تأثیر قرار گرفته و دچار آسیب شده‌اند. هدف از این مطالعه در کنار شناسایی شاخص‌های کلیدی مرتبط با یکپارچگی تاریخی-ساختاری، بررسی، ارزیابی و تحلیل این موضوع در بخشی از محدودهٔ بافت تاریخی قزوین بود. این مطالعه با بازنمایی و بازخوانی وجوه اصیل و در جهت حفظ ارزش‌ها و اصالت‌های بافت تاریخی، به پرسش «در طی زمان چه تحولات کالبدی و ساختاری در محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین ایجاد شده و این تغییرات چه پیامدهایی را به همراه داشته است» پاسخ داده است. در این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی، شاخص‌های اصلی سنجش یکپارچگی براساس ضوابط حفاظتی و دیدگاه نظریه‌پردازان تعیین و پس از آن بر روی محلات راه‌ری، خندق‌بار و خیابان واقع در شهر قزوین در دو مقیاس محله و محدوده پیرامونی بررسی شد. در این مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، منابع تاریخی، مطالعات میدانی و به‌ویژه تحلیل نقشه‌ها و تصاویر تاریخی (از اولین نقشه موجود مربوط به سال ۱۲۹۷ ه.ش تا به امروز) در جهت بررسی سیر تغییرات و تحولات مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌ها در این مطالعه نشان داد که تغییرات و تحولات ایجاد شده در الگوهای ساختاری محله و همچنین ساختار تاریخی و عملکردی محدوده پیرامونی تأثیر گذاشته است. وضعیت حال حاضر به‌گونه‌ای است که بخشی از هویت و انسجام پیشین به خصوص در خطوط تاریخی دچار خدشه شده است. از این رو در کنار توجه به تداوم توسعه‌های شهر و تعادل بین وجود تاریخی و زندگی امروز، ضروری است تا ارزش‌های تاریخی محدوده و محله در اولویت قرار گیرد تا به تبع آن تغییراتی در نظام ساختار و تاریخی محدوده انجام پذیرد.

کلیدواژه‌ها: قزوین، بافت تاریخی، یکپارچگی، یکپارچگی تاریخی-ساختاری، تداوم

۱. مقدمه:

بافت‌های کهن شهری بازمانده‌هایی ارزشمند از ساختار تاریخی شهرها هستند که بعضاً به دلیل تغییرات گسترده در دهه‌های اخیر، شناسایی ویژگی‌های اصیل آن ها با دشواری همراه شده است. در حقیقت، مطالعه این محله‌ها معادل با واکاوی هویت تاریخی شهرهاست؛ چرا که آن ها بازتابی از ساختارها و کارکردهایی هستند که در طول زمان شکل‌گرفته و توسعه یافته‌اند. این عناصر نه‌تنها شناسنامه فرهنگی شهرها را شکل داده، بلکه نقشی اساسی در درک سیر تحولات تاریخی و اجتماعی آن ها ایفا می‌کنند. این در حالی است که وقتی موضوع بافت تاریخی در اولویت بررسی قرار گیرد، نوع و چگونگی بررسی آن نیز قابل توجه است. یکی از مهم ترین وجوهی که در این مقیاس قابل بحث بوده موضوع یکپارچگی است که از ابعاد متفاوتی قابلیت مطالعه را داراست. بررسی و ارزیابی نظریه‌ها، اسناد و کنوانسیون‌های مرتبط با نقش یکپارچگی در حفاظت از میراث شهری حاکی از آن است که در سال های

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

اخیر، مفهوم یکپارچگی به‌عنوان عاملی اساسی در روند شناسایی، ارزیابی و برنامه‌ریزی راهبردی برای حفظ و مدیریت میراث شهری تاریخی مطرح شده و همچنین یکی از مهم‌ترین بخش های حفاظت از ارزش‌ها در مقیاس بافت‌ها و محدوده‌های تاریخی محسوب می‌شود.

بررسی و تحلیل محتوای اسناد بین‌المللی نشان‌دهنده یک اجماع جهانی در مورد اهمیت و ضرورت موضوع یکپارچگی در فرایند حفاظت از میراث شهری را نشان می‌دهد. در اوایل سال ۱۹۶۴، منشور ونیز به‌عنوان اولین سندی مطرح شد که به مفهوم یکپارچگی اشاره داشت. در بند ۱۴ این منشور، آمده است که محوطه‌ها و یادمان‌ها باید به‌طور خاص محافظت شوند تا یکپارچگی آن‌ها حفظ شود و همچنین ساماندهی و ارائه آن‌ها به شکلی شایسته تضمین گردد (ICOMOS, 1964). این منشور به‌ویژه بر یکپارچگی ساختاری و بصری در سایت‌های تاریخی تأکید دارد و به جنبه‌های دیگر یکپارچگی که در سال های بعد مورد توجه بوده اشاره نمی‌کند. در سال ۱۹۹۴، سند نارا (ICOMOS, 1994) نیز به لزوم تبیین چهارچوبی انعطاف‌پذیر برای ارزیابی دو معیار اصالت و یکپارچگی در حوزه میراث‌فرهنگی اشاره کرده و همچنین نقش یکپارچگی را در موضوع توسعه شهرهای تاریخی و بهبود مدیریت آن‌ها تبیین نموده است. اهمیت پرداختن به موضوع یکپارچگی همواره وجود داشته به گونه‌ای که در فرآیند ثبت آثار در فهرست میراث جهانی، شرط تمامیت (یکپارچگی) از اولین شروطی است که بایستی وجود داشته باشد (Morgan, 2009: 77). با این حال، علی‌رغم تأکیدات بین‌المللی بر اهمیت یکپارچگی در حفاظت از میراث شهری، بسیاری از شهرهای تاریخی ایران به خصوص پس از دوره قاجار، دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده‌اند که منجر به کاهش یکپارچگی به‌ویژه در ابعاد تاریخی-ساختاری آن‌ها شده است. عدم توجه به موضوع یکپارچگی در بافت‌های تاریخی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری به دلیل تضعیف هویت فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی شهرها داشته باشد. از این رو، ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بررسی دقیق تغییرات یکپارچگی در محدوده‌های تاریخی، نه‌تنها به شناسایی میزان و نحوه دگرگونی‌های صورت‌گرفته کمک می‌کند، بلکه می‌تواند مبنایی برای تدوین راهکارهای مؤثر برای حفظ و احیای این میراث ارزشمند باشد.

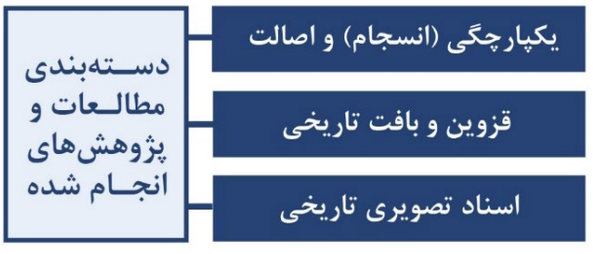
آنچه به‌عنوان یک ضرورت و با نگاهی آسیب‌شناسانه تبیین گردید در شهر قزوین به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی نمود عینی داشته است. اگرچه مطالعات موجود نشان می‌دهند که تاریخ این شهر در آثار برخی قزوین‌شناسان و محققان[1] به دقت بررسی شده ولی موضوع بافت تاریخی و چالش‌های ساختاری پیش روی آن در گذر زمان، کمتر مورد دقت‌نظر قرار گرفته‌اند. با بررسی قدیمی‌ترین نقشه شهری موجود از سال ۱۲۹۷ قزوین-که مربوط به دوران پیش از خیابان‌کشی‌ها و به دوره قاجاریه بازمی‌گردد- و در کنار آن، تحلیل عکس‌های هوایی دهه ۳۰ تا به امروز، می‌توان استنباط کرد که وضعیت محله‌ها به‌طور کامل تحت تغییرات اساسی کالبدی قرار گرفته است. از جمله عوامل مهم این تغییرات، احداث خیابان‌هایی بوده که به‌تبع خود منجر به تخریب برخی از بناها و مجموعه‌های ارزشمند نیز شده است[2]. تغییرات در بناهای پیرامونی خیابان سپه قزوین از اولین سال های احداث تا به امروز، خیابان‌کشی‌های مختلف در محدوده مرکزی شهر تاریخی، ساخت‌وسازهای جدید و تخریب‌های متمادی بناهای تاریخی در محدوده شاهزاده حسین و همچنین مسجد جامع برخی از مواردی است که محدوده مرکزی بافت را دچار تحولات متعدد کرده و به تبع آن‌ها ساختار کالبدی محدوده به‌شدت از چهارچوب ساختاری تاریخی و اصیل خود منحرف شده است. از این رو می‌توان ادعا کرد که این تغییرات، یکپارچگی محدوده را در تمامی ابعاد، به‌ویژه در ابعاد کالبدی دچار دگرگونی کرده و مطالعه و بررسی آن‌ها می‌تواند به شناخت و حفاظت بهتر از بافت تاریخی کمک کند.

توجه به این تغییرات و تحولات در مقیاس شهر موجب شد تا در این مطالعه با بررسی اسناد بین‌المللی و دیدگاه‌های نظری، تبیین چهارچوب نظری موضوع صورت پذیرد. در ادامه نیز با استناد به اسناد تصویری و فنی در مقیاس شهر (عکس‌های هوایی و نقشه‌های دوره قاجار تاکنون) نقشه‌های فنی از محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین تهیه شود. مقایسه تطبیقی بین نقشه‌های تهیه شده دوره‌های مختلف و بررسی‌های میدانی در محدوده مورد مطالعه برای تطبیق با وضعیت امروز، مسیر کلی ارزیابی و تحلیل را در مطالعه شکل داد. بررسی اولیه یکپارچگی تاریخی-ساختاری در محدوده بافت تاریخی قزوین و محلات آن نشان می‌دهد سه محله راه‌ری، خندق‌بار و خیابان جزو محلاتی هستند که در این بین بیشترین تغییرات ساختاری را داشته‌اند. این سه محله جزو محلات قدیمی و ارزشمند شهر محسوب شده؛ چراکه بناهای تاریخی کثیری از جمله مسجد جامع قزوین، مسجد شیخ‌السلام، آب‌انبار سردار بزرگ و شاهزاده حسین در این محدوده از بافت تاریخی واقع شده‌اند. دخل و تصرفات در این محدوده و جدایی آن از محیط اطراف باعث شده که در حال حاضر نتوان به‌خوبی ویژگی‌های اصیل و یکپارچه‌اش را شناسایی کرد. علاوه بر این، از آنجا که ارزیابی یکپارچگی در یک محدوده شهری تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل است، درک صحیح آن مستلزم به‌کارگیری فرآیندی دقیق و جامع برای بررسی این جنبه‌ها خواهد بود. از این رو ارزیابی و تحلیل یکپارچگی تاریخی-ساختاری این محدودهٔ تاریخی شهر از مهم‌ترین اهداف این پژوهش بوده و سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر شکل گرفته‌اند:

- ساختار کالبدی محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین تا پیش از تغییرات کالبدی مثل احداث خیابان‌ها چگونه بوده است؟
- در مرور زمان چه تحولاتی در کالبد و ساختار شکلی محله ایجاد شده که بر یکپارچگی و پیوستگی آن تأثیر گذاشته است؟
- تأثیرات حاصل از وقوع تغییرات ساختاری در بخش مرکزی بافت تاریخی قزوین چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟

۲. پیشینه پژوهش:

با توجه به موضوع پژوهش، مطالعات مرتبط با «یکپارچگی» و «محدوده‌های تاریخی» از موارد اصلی مورد بحث و بررسی در این بخش خواهند بود. مجموعه این مطالعات را می‌توان در قالب سه دسته اصلی مورد بررسی قرار داد: دسته نخست شامل پژوهش‌هایی است که به‌صورت خاص به مفهوم یکپارچگی، انسجام و اصالت محدوده‌های تاریخی پرداخته و همسانی موضوع با این مطالعه دارند. دسته دوم به مطالعات انجام‌شده در بستر شهر قزوین و محلات تاریخی آن اختصاص دارد که موضع یکسانی با این مطالعه خواهند داشت و نهایتاً، دسته سوم شامل تحقیقاتی است که با تکیه بر تحلیل نقشه‌ها، تصاویر هوایی و تطبیق آن‌ها در دوره‌های مختلف، به بررسی سیر تحول کالبدی پرداخته‌اند که به‌گونه‌ای روش برخوردی همسان با این مطالعه دارند. در شکل ۱، طبقه‌بندی این مطالعات به‌عنوان مبنای بخش پیشینه تحقیق ارائه شده است. مطالبی که در ادامه خواهد آمد نیز، براساس همین چهارچوب دسته‌بندی و ارائه شده‌اند.



شکل ۱. دسته‌بندی مطالعات مرتبط با موضوع
Figure 1. Category of studies related to the topic

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

دسته اول مطالعات مرتبط با مفاهیم یکپارچگی و اصالت و همچنین مدل‌های مفهومی مرتبط است. در کنار مجموعه اشاراتی که در منشورها و از نگاه نظریه‌پردازان نسبت به موضوع یکپارچگی قرار دارد -که در بخش چهارچوب نظری به آن پرداخته خواهد شد- بصیری و همکاران (Basiri, et al. 2014, 2015) نمونه‌ای از مطالعاتی هستند که سیر تاریخی و اندیشه‌ای حفاظت میراث‌فرهنگی را از منظر جایگاه مفهومی تمامیت (یکپارچگی) مورد بررسی قرار داده است. همچنین برخی از پژوهشگران موضوع یکپارچگی (تمامیت) به‌عنوان یک مفهوم تخصصی مورد مطالعه قرار داده‌اند. برای مثال، در پژوهشی با محوریت تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبدی فضاهای عمومی در بافت‌های تاریخی، انسجام به‌عنوان مفهومی ناظر بر یکپارچگی و کلیت شهر مطرح شده و اصول مؤثر بر شکل‌گیری این انسجام مورد بررسی قرار گرفته است (Sharghi & Alimardani, 2017). البته در این بین هم‌راستایی اصالت و یکپارچگی از موارد قابل توجه است. حناچی و همکاران (Hanachi et al, 2023) یکی از مطالعاتی است که به موضوع یکپارچگی و اصالت پرداخته و رابطه و نسبت اصالت و یکپارچگی را از دیدگاه‌های مختلف و در برخورد با این آثار در قالب میراث معماری مورد بررسی قرار داده است. این موضوع در پژوهشی دیگر نیز با تبیین اصالت و یکپارچگی به‌عنوان دو مؤلفه کلیدی در حفاظت از منظر شهری تاریخی، مورد توجه قرار گرفته است (Pour Bahadur & Fadaei Nejad, 2018). باید در نظر داشت که این مطالعات اغلب تأکید دارند که این دو مفهوم باید در کنار ارزش‌های ملموس و ناملموس و نقش جامعه در شکل‌گیری کالبد شهر مورد توجه جدی قرار گیرند. در نهایت نیز تصدیق می‌کنند که اصالت به حفظ ویژگی‌های واقعی و تاریخی شهر اشاره دارد، درحالی‌که یکپارچگی بیانگر حفظ پیوستگی و تمامیت ساختاری، عملکردی و بصری شهر است.

علاوه بر این موضوع ارائه مدل‌های مفهومی نیز گروهی از مطالعات این دسته هستند. مطالعه‌ای در حوزه میراث شهری و توسط فدائی‌نژاد و عشرتی (Fadaei Nezhad Bahramjerdi & Eshrati, 2016) انجام گرفته که تلاش کرده با تحلیل اسناد بین‌المللی و نظریه‌ها و رویکردهای موجود، چهارچوبی مفهومی برای «یکپارچگی» در حفاظت از میراث شهری ارائه دهد. در این مطالعه، ابعاد مختلف یکپارچگی شناسایی و به‌عنوان معیارهای قابل‌سنجش برای حفظ انسجام، اصالت و پایداری مکان‌های تاریخی معرفی شده‌اند؛ در همین راستا کاویان و همکاران (Kavian et al, 2020). نیز مفهوم یکپارچگی را در حوزه منظر مورد توجه قرار داده و با بررسی مؤلفه‌های مختلف منظر و یکپارچگی، روابط پیچیده میان آن‌ها را شناسایی و مدل مفهومی جدیدی برای آن ارائه داده‌اند. این مُدل‌های مفهومی، جایگاه حوزه‌ها و تخصص‌های مختلف را در تحلیل میراث معماری، شهری، منظر و ... تبیین و فرآیند مستندسازی و متغیریابی مؤلفه‌های یکپارچگی را ساده‌تر ساخته است.

دسته دوم پژوهش‌هایی است که مرتبط با بافت تاریخی شهر قزوین و نزدیک به موضوع این مطالعه نگارش شده‌اند. علاوه بر مطالعات کلی مرتبط با ساختار و نظام هویتی شهر تاریخی (Mojabi, 2009; Mansouri & Dizani, 2018) و تاریخ و جغرافیای شهر (Varjavand, 1998; Golriz, 1980; Dabirsiyaghi, 2002) مطالعاتی نیز وجود دارد که به ابعاد تاریخی و معماری شهر قزوین و به خصوص محلات و یا بازار تاریخی به طور خاص پرداخته‌اند (Parhizkari, 2011). در این بین موضوع قابل توجه مطالعات مربوط به بافت تاریخی، نظام تغییرات، مطالعات تطبیقی ساختار شهری و موارد مرتبط با آن‌هاست. در این بین یکی از مطالعات قابل توجه توسط تاج‌احمدی و زمانی‌فرد (TajAhmadi Tabrizi, & Zamanifard, 2022) انجام گرفته است. در این پژوهش با تمرکز بر بافت تاریخی قزوین، تغییرات ایجاد شده در منظر شهری تاریخی قزوین طی چند دهه مورد تحلیل قرار گرفته است. آن‌ها با بهره‌گیری از تحلیل‌های فضایی در نرم‌افزار GIS، تأثیر طرح‌های توسعه شهری را بر ساختار فیزیکی، شبکه معابر و فضاهای سبز ارزیابی و لزوم به‌کارگیری مدیریت تغییر در راستای حفاظت مؤثر از این منظر شهری تاریخی را مطرح کرده‌اند. در این مطالعه بررسی تغییرات جمعیتی و تحولات شهری از دوران صفوی تا امروز مورد توجه قرارگرفته است.

دسته سوم پژوهش‌هایی هستند که ارتباط بسیار نزدیک‌تری از منظر روش (تحلیل‌های مقایسه‌ای و بهره از نقشه‌های تاریخی و عکس‌های هوایی) با این مطالعه دارند. به‌عنوان نمونه روکا (Roca, 2015) در یک مطالعه از پتانسیل تحقیقاتی عکس‌های هوایی در مطالعه شهرها نام برده و با استفاده از مطالعه مقایسه‌ای ۳۰ عکس هوایی، نشان می‌دهد که آن‌ها می‌توانند منبعی ارزشمند برای تحلیل تغییرات شهری و تحول فضاهای شهری در طول زمان باشند. همچنین تحلیل‌های مقایسه‌ای تأثیر توسعه شهری بر یکپارچگی بصری یکی از دیگر نمونه‌هاست. در این مطالعه تأثیر توسعه شهری بر میراث جهانی و نقش ارزیابی تأثیرات میراثی (HIA) در شناسایی و کاهش این تهدیدات در چهار اثر میراث جهانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است (Ashrafi Kloos &Neugebauer, 2021). در این بین البته یکی از نزدیک‌ترین مطالعات به این پژوهش توسط جیحانی و صابری (Jayhani, & Saberi, 2023) انجام پذیرفته است. آن‌ها در پژوهشی در شهر کاشان با اتکا بر تحلیل سیر نقشه‌های تاریخی و به‌ویژه تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵، تغییرات کالبدی و فضایی یک محله را در گذر زمان مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این مطالعه با مقایسه نقشه‌های استخراج‌شده از این تصاویر با وضع موجود، میزان دگرگونی‌ها و تأثیر آن بر یکپارچگی محله تاریخی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و البته در کنار یکپارچگی ساختاری، موضوع عملکردی و بصری نیز مدنظر قرار گرفته است.

مجموع سه دسته مطالعات مرور شده نشان می‌دهند که با وجود پژوهش‌های انجام شده در حوزه حفاظت شهری و همچنین یکپارچگی -با توجه به اینکه هر موضع تاریخی می‌توان اطلاعات و شرایط متفاوتی داشته باشد- هنوز جای پرداختن دقیق‌تر به آن وجود دارد. علاوه بر چگونگی مطالعات مرتبط با یکپارچگی، به‌صورت تدقیق شده هر کدام از سه وجه ساختاری، عملکردی و بصری قابل توجه خاص هستند. در این بین یکپارچگی ساختاری یا با بیان دقیق‌تر تاریخی-ساختاری و نقش آن در حفظ اصالت موضوعی است که در بافت تاریخی قزوین به‌صورت ویژه و مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. علاوه بر چهارچوب روش‌شناسی این نوع از یکپارچگی، تحلیل تطبیقی نقشه‌های هوایی، از نخستین تصاویر موجود تا جدیدترین آن‌ها و بررسی تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری رویکردهای امروزی در محلات تاریخی، نگاه متفاوتی است که در این پژوهش فراهم آمده است. این پژوهش تلاش دارد علاوه بر ارائه یک ساختار روشمند و منطقی، به بازخوانی و بازنمایی خطوط اصیلی بپردازد که در مسیر حفظ و تقویت ارزش‌ها و اصالت‌های شهر تاریخی قزوین نقش دارند.

۳. روش پژوهش:

این مطالعه به بررسی و ارزیابی یکپارچگی تاریخی-ساختاری محدوده مورد مطالعه پرداخته و درعین‌حال، یکپارچگی را به‌عنوان یک اصل بنیادین در حفاظت بخشی از بافت تاریخی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است. مطالعه از نظر نوع در دسته مطالعات کیفی قرار می‌گیرد که در پارادیمی تفسیرگرا و با روشی توصیفی تحلیلی تلاش کرده‌است وضعیت کالبدی و ساختاری یک محدوده تاریخی را مورد بررسی، تفسیر و تحلیل قرار دهد.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

بررسی وضعیت گذشته تا به امروز محلات از طریق تحقیقات میدانی و مستندسازی تصویری فراهم شده که امکان ارزیابی دقیق دگرگونی‌های را فراهم آورده است. در گام نخست، با بررسی جامع اسناد بین‌المللی و تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های متخصصان، مفهوم یکپارچگی و به خصوص یکپارچگی تاریخی-ساختاری و مؤلفه‌های آن در چهارچوب میراث شهری تبیین شده و در نهایت مدلی برای چگونگی مطالعه و بررسی موضوع ارائه شده که به‌گونه‌ای بخش توصیفی مطالعه را شکل داده است. پس از جمع‌بندی ابتدایی، در ادامه یکپارچگی در محدوده مورد مطالعه با نگاهی تطبیقی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی میزان تأثیرپذیری این محلات از تحولات شهری و مقایسه تطبیقی تغییرات عمده در گذر زمان، از نقشه‌ها و تصاویر هوایی قزوین (نقشه مربوط به سال ۱۲۹۷، عکس هوایی سال های ۱۳۳۵، ۱۳۴۷، ۱۳۵۴، ۱۳۷۳ و ۱۴۰۳) و مقایسه تطبیقی آن ها با یکدیگر بهره گرفته شده است. در جهت مقایسه بهتر، تمامی عکس‌ها و نقشه‌های تاریخی در دسترس، با استفاده از نرم‌افزار AutoCAD در دو مقیاس محله و محدوده پیرامونی به نقشه‌های مهندسی دقیق تبدیل شد تا امکان مطالعه و تطبیق آن ها با یکدیگر فراهم شود. این روش امکان تحلیل روند دگرگونی‌های محله و محدوده پیرامونی را در طول زمان فراهم می‌کند. علاوه بر این، برای سنجش میزان پیوستگی و انسجام محلات راه‌ری، خندق‌بار و خیابان، ویژگی‌ها و توصیفات مربوط به گذشته آن ها با شرایط کنونی مقایسه شده است. در این مرحله، با بررسی دقیق تغییرات در ساختارهای فیزیکی، تأثیر این تحولات بر یکپارچگی بافت مورد نظر مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴. یکپارچگی و یکپارچگی تاریخی-ساختاری (چهارچوب نظری):

یکپارچگی[۳] که در ترجمه فارسی معادل با «انسجام» و حتی «تمامیت» نیز آمده است، هم‌معنا با «کلیت[۴]»، «کامل‌بودن[۵]»، «صداقت[۶]»، «خلوص[۷]» و «درستی[۸]» است (Fadaei Nezhad Bahramjerdi, & Eshrati, 2015: 257). این واژه یعنی آنچه هیچ‌چیزی از آن کم نباشد و چیزی نشکسته و تقسیم نشده (Jokilehto, 2002: 298) که کلیت علائم هنری و نشانه‌ای را شامل شده و مرتبه‌ای است که در آن ویژگی‌های فیزیکی و تاریخی اثر حفظ شده است (Kavian et al, 2020). از دیدگاه نظری، یکپارچگی در یک محدوده تاریخی به شناخت وضعیت اصیل آن نیازمند است. از این روی در حفاظت از میراث‌فرهنگی، اصالت و یکپارچگی دو معیار اساسی برای تضمین ارزش‌های تاریخی و هویتی یک اثر محسوب می‌شوند. در واقع اصالت، به حفظ ویژگی‌های راستین و سندیت تاریخی اثر اشاره دارد، درحالی‌که یکپارچگی نشان‌دهنده حفظ کلیت ساختاری، مفهومی و مادی آن است (Khalaf, 2020). این دو مفهوم در تعامل با یکدیگر معنا می‌یابند: اگرچه اصالت، عامل تمایز و هویت‌بخشی به اثر است، اما بدون یکپارچگی، این هویت به‌صورت منسجم و پایدار باقی نخواهد ماند. در واقع می‌توان گفت توجه به یکپارچگی بدون رعایت اصالت امکان‌پذیر نیست. در این بین البته تبیین توسعه مفهوم و چهارچوب ارزیابی از دو منظر اسناد و منشورهای مرتبط و همچنین صاحب‌نظران، می‌تواند ابعاد و مؤلفه‌های دقیق‌تر این موضوع را تبیین نماید.

نخستین نشانه‌های استفاده از واژهٔ یکپارچگی به سال ۱۹۵۳ و دستورالعمل اداری خدمات پارک ملی ایالات متحده بازمی‌گردد. در این سند، یکپارچگی به‌عنوان ویژگی ترکیبی یک مکان تعریف شده که بر حفظ عملکرد اولیهٔ آن تأکید دارد. این مفهوم که ابتدا در آمریکا شکل گرفت و به‌تدریج در اروپا گسترش یافت (Castriota & Marçal, 2021). اگرچه واژه‌هایی مانند «اصالت» و «یکپارچگی» در اسناد اولیه مرتبط با میراث‌فرهنگی به‌صورت مستقیم دیده نمی‌شوند، اما نگاه عمیق‌تر به این متون، خصوصاً کنوانسیون‌هایی مانند لاهه (UNESCO, 1954) نشان می‌دهد که بنیان این مفاهیم از همان ابتدا در بطن آن ها حضور داشته؛ هرچند به‌صورت غیرصریح و در قالب اصول کلیِ حفاظت از ارزش‌های فرهنگی. در اسناد نخستین مرتبط با میراث، تمرکز عمدتاً بر حفاظت از ویژگی‌های مادی و عناصر کالبدی آثار بوده است. برای نمونه، منشور ونیز با تأکید بر «ارزش‌های تاریخی»، اصالت را در پیوند با مصالح اصلی و منابع معتبر تعریف می‌کند. به‌ویژه در بند ۹ این منشور، احترام به ماده کهن به‌عنوان اصل بنیادین حفظ میراث مطرح شده است. با این حال، این دیدگاه تنها بخشی از ابعاد گسترده‌تر اصالت را در بر می‌گیرد و تصویری کامل از آن ارائه نمی‌دهد (ICOMOS, 1964).

در نشست یونسکو پاریس در سال ۱۹۶۸، دامنه حفاظت به مناطق شهری تاریخی گسترش یافت (UNESCO, 1968) و در توصیه‌نامه نایروبی (ICOMOS, 1976)، یونسکو بر لزوم احیای این مناطق تاریخی تأکید کرده و تعریفی وسیع‌تر از مفهوم شهر تاریخی، فراتر از مجموعه ساختمان‌ها یا مناطق تاریخی ارائه داد. این توصیه‌نامه -که نگاهی جامع‌تر به محدوده‌های تاریخی دارد- بر ضرورت درنظرگرفتن هر محوطه به‌عنوان یک کل منسجم[۹] و به‌هم‌پیوسته تأکید کرده است. این سند بیان می‌کند که ویژگی‌های کلی یک منطقه تاریخی به ارتباط و تعامل میان اجزای مختلف آن بستگی دارد. دیدگاهی که نشان می‌دهد پیوستگی اجزا و درنظر گرفتن تمامی عناصر مؤثر در یک محوطه، درک دقیق‌تری از مفهوم یکپارچگی را ارائه خواهد داد. به دنبال آن، منشور واشنگتن در سال ۱۹۸۷ بر ارتباط میان شهر و منطقه اطراف آن تأکید کرده و ابعاد فرهنگی و طبیعی میراث شهری را نیز مورد توجه قرارداد (ICOMOS, 1987). این منشور همچنین با تأکید بر عناصر فیزیکی و معنوی، بر جنبه‌های ملموس و غیرملموس که در ارزیابی یکپارچگی میراث شهری نقش دارند، تأکید داشت. حفاظت از میراث به‌ویژه میراث شهری، در هر زمینه فرهنگی متفاوت است و به همین دلیل براساس منشور نارا نیازمند یک چهارچوب انعطاف‌پذیر است. نشست نارا که در سال ۱۹۹۴ برگزار شد، به دنبال یافتن راه‌هایی بود که چگونه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی بستر می‌تواند به بهبود مدیریت شهرهای تاریخی و یکپارچگی آن ها کمک کند (ICOMOS, 1994). همانطور که پیش از این اشاره شد یکپارچگی و اصالت ارتباط هم‌بسته‌ای با یکدیگر دارند. از این رو اصالت یک محوطه را می‌توان از طریق میزان انسجام و پیوستگی آن مورد بررسی قرار داد، مفهومی که در بیانیه سن‌آنتونیو (ICOMOS, 1996) به‌عنوان یکی از معیارهای کلیدی در شناسایی ارزش‌های تاریخی یک مکان معرفی شده است. در این بیانیه، یکپارچگی نه‌تنها به‌عنوان عاملی برای اثبات اصالت، بلکه به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی اهمیت و هویت یک محوطه شناخته می‌شود. پرسش‌هایی که در این سند مطرح شده‌اند، بر ارزیابی وضعیت محوطه از نظر پراکندگی، تخریب، و اضافه‌شدن عناصر جدید تمرکز دارند.

در این بین دستورالعمل‌های عملی کنوانسیون میراث جهانی یونسکو که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد (UNESCO-WHC, 2005) می‌تواند نقطه عطفی برای مفهوم یکپارچگی قلمداد شود. در این دستورالعمل‌ها معیار یکپارچگی به طور خاص به عنوان «معیاری برای سنجش تمامیت و سلامت میراث طبیعی و یا فرهنگی و ویژگی‌های آن» تعریف شده است. طبق این سند، ارزیابی وضعیت یکپارچگی نیازمند بررسی تمام عناصر و اجزای ضروری برای بیان ارزش جهانی، ویژگی‌ها و فرایندهایی که ارزش جهانی را منتقل می‌کنند (ویژگی‌ها و اهمیت مکان) و میزان آسیب‌دیدگی ارزش‌ها در اثر توسعه، غفلت و بی‌توجهی است (UNESCO-WHC, 2005: Art 88). در این بند از دستورالعمل به اجزای کلیدی که برای نمایش ارزش جهانی ضروری هستند اشاره می‌شود؛ اما این اجزا و عناصر به طور دقیق و مشخص

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

تعریف نشده‌اند؛ بنابراین، ضرورت ارائه توضیحات بیشتر برای چگونگی ارزیابی یکپارچگی سایت‌های میراثی، به‌ویژه میراث شهری که به دلیل پیچیدگی‌های طبیعی خود نیازمند دقت بیشتری هستند، امروزه آشکارتر از همیشه است. همچنین، در مورد اول و دوم این بند تأکید شده است که «کلیت» میراث اهمیت دارد[۱۰]، درحالی‌که مورد سوم بیشتر بر سلامت و حفاظت از تمامیت میراث تأکید کرده و به اهمیت نظارت و مدیریت توسعه‌های جدید شهری اشاره می‌کند تا آسیبی به پیوستگی و ارزش تاریخی میراث وارد نشود.

علاوه بر این، اشاره به «فرایند» به‌علاوه «ویژگی» در مورد دوم[۱۱] نشان‌دهنده تغییر رویکرد یونسکو به سمت درک پویایی‌های درونی میراث‌فرهنگی، به‌ویژه میراث شهری است. در نهایت، مورد سوم بر لزوم مدیریت و نظارت بر توسعه‌های شهری برای حفظ یکپارچگی تأکید می‌کند.

علاوه بر این در میان اسنادی که به تبیین مفهوم یکپارچگی پرداخته، می‌توان یکی دیگر از بهترین نمونه‌ها را سند سال ۲۰۰۸ میراث انگلستان دانست (English Heritage, 2008: 45) که یکپارچگی را در قالب «کلیت »[۱۲]معرفی کرده است. مطابق این سند «یکپارچگی می‌تواند به موارد مختلفی مانند یک سیستم ساختاری، یک مفهوم طراحی، نحوه استفاده از مواد یا گیاهان، ویژگی‌های یک مکان، آثار هنری یا کارکرد آن اطلاق شود. تصمیم‌گیری برای بازیابی هر جنبه‌ای از یکپارچگی که دچار آسیب شده است، باید، مانند اصالت، مبتنی بر درک جامع از ارزش‌های آن مکان باشد». این سند همچنین توجه به جنبه‌های ملموس و ناملموس در شناسایی و حفاظت از مکان‌های میراثی را مورد توجه قرار می‌دهد.

از نگاه صاحب‌نظران نیز، دیدگاه یوکایوکیلهتو یکی از شناخته‌شده‌ترین برداشت‌ها از مفهوم یکپارچگی است. او در پژوهش خود، این مفهوم را در سه بُعد کلیدی تبیین می‌کند: نخست، یکپارچگی ساختاری-تاریخی[۱۳] که بیانگر انسجام در سازمان فضایی، نظام سازه‌ای و نمای کالبدی یک مجموعه میراثی است؛ دوم، یکپارچگی اجتماعی-کارکردی[۱۴] که به ارتباط تاریخی میان کارکردهای اجتماعی، مناسک دینی و بهره‌برداری از منابع طبیعی می‌پردازد؛ و سوم، یکپارچگی بصری-زیبایی‌شناختی[۱۵] که به جنبه‌های زیبایی‌شناختی اثر توجه دارد و چگونگی ادراک آن را روشن می‌سازد (Jokilehto, 2007: 41). در همین راستا، استول (Stovel, 2007) نیز بر اهمیت این مفاهیم تأکید داشته، اما بر این باور است که در دستورالعمل‌های عملیاتی میراث جهانی، به مفاهیم«تمامیت»[۱۶]که بیانگر وجود تمامی عناصر ضروری برای روایت هویت یک مکان است و «دست‌نخوردگی»[۱۷]که به میزان تأثیر تهدیدات بر اثر و محیط آن اشاره دارد، چندان توجه نشده است.

راسلر (Rossler, 2008) نیز در بررسی میراث‌فرهنگی، بر اهمیت هم‌زمان اصالت و یکپارچگی تأکید کرده و نقش آن‌ها را در ارزیابی و حفاظت از منظرهای فرهنگی برجسته می‌داند. او سه بعد یکپارچگی بصری، عملکردی و ساختاری را در این زمینه ضروری می‌داند و معتقد است که تلفیق این دو معیار می‌تواند روند حفاظت و ارزیابی این سایت‌ها را بهبود بخشد (Fadaei Nezhad Bahramjerdi, 2016) موضوعی که در منشورهای مرتبط نیز قابل توجه قرار گرفته بود. علاوه بر موارد اشاره شده زانچتی و همکاران (Zancheti et al, 2009) نیز بر مطالعه هم‌زمان زمینه‌های تاریخی و معاصر به‌عنوان ابزاری برای شناخت بهتر یکپارچگی تأکید می‌کنند که این نگاه می‌تواند به تقویت نگاه‌های مقایسه‌ای برای تبیین تغییرات و تحولات در محدوده‌های تاریخی کمک کند. در تدقیق سایر عوامل مؤثر در ارزیابی یکپارچگی، میچل (Michel, 2008) تأکید دارد که ارزیابی محیط‌های انسان‌ساخت از طریق اصالت و پیوستگی فرایندهای میراثی، به حفظ ویژگی‌های منظر و ارزش‌های ناملموس آن کمک می‌کند. علاوه بر موارد اشاره شده دیگر منابعی نیز به موضوع یکپارچگی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن دقت داشته‌اند که اطلاعات مرتبط با آن‌ها در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

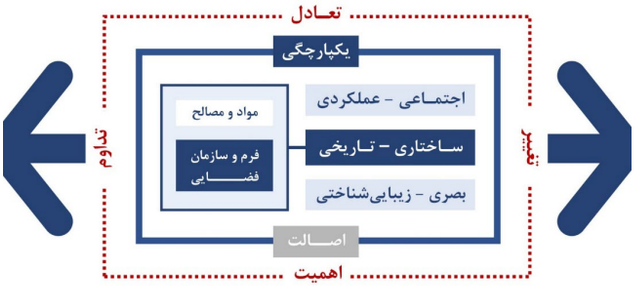
با توجه به مرور مباحث پیشین در فرایند حفاظت از میراث‌فرهنگی، آنچه اهمیت دارد تنها حفظ ظاهر یا مواد نیست، بلکه حفظ پیوستگی درونی، ساختار معنادار و ارتباط زنده میان اجزا و زمان است. اسناد و نظریات درباره یکپارچگی در محدوده‌های شهری و تاریخی نشان می‌دهد که این مفهوم از ابتدا با تحول رویکردهای حفاظتی، تمرکز بر ابعاد صرفاً کالبدی در محدوده‌های شهری و تاریخی به‌تدریج جای خود را به درک چندلایه‌ای‌تری داد که ابعاد اجتماعی، تاریخی و معنایی را نیز در ارزیابی و حفظ اصالت و یکپارچگی ساختاری دربر می‌گیرد. البته در این بین البته چگونگی مطالعه و ارزیابی هر کدام از این ابعاد نیز باید تدقیق شوند. مفهوم یکپارچگی به‌ویژه در میراث‌فرهنگی و منظرهای شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل میان حفاظت و توسعه، حفظ هویت مکان‌ها و ارزش‌های فرهنگی آن‌ها نقش ایفا کند. در موضوع یکپارچگی تاریخی-ساختاری بخش‌های باقی‌مانده را می‌توان از منظر «مواد و مصالح» و «فرم و سازمان فضایی» مورد بررسی و ارزیابی قرار داد (Fadaei Nezhad Bahramjerdi et al, 1397: 259). در این بین موضوع فرم و سازمان فضایی در واقع بیانگر شناسایی فضایی عناصر[۱۸] در طول زمان است که پاسخ‌های خلاقانه و تداوم ساخت و سازها را نشان می‌دهند و همچنین به کلیت فضایی-محیطی محدوده[۱۹] معنا می‌بخشند؛ (Jokilehto, 2007: 32) در نتیجه هویت مکان باید با توجه به یکپارچگی و انسجام تاریخی در ساختار و عناصر اصلی و در

جدول ۱. بررسی اسناد و نظریه‌پردازان مرتبط با موضوع یکپارچگی
Table 1. Review of documents and theorists related to the integrity

نوع مرجع	منشور و سندهای بین المللی							نظریه پردازان مرتبط									
ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
مرجع مرتبط	(ICOMOS, 1964)	(ICOMOS, 1968)	(ICOMOS, 1976)	(ICOMOS, 1987)	(ICOMOS, 1991)	(ICOMOS, 1996)	(UNESCO-WHC, 2005)	(English Heritage, 2008)	(Clavir, 1998)	(Jokilehto, 2007)	(Stovel, 2007)	(Rossler, 2008)	(Mitchell, 2008)	(Zancheti & Hidake, 2009)	(O'Donnell and Turner, 2012)	(Gullino & Larcher, 2013)	(Van Oers & Haraguchi, 2013)
مؤلفه های مرتبط: تداوم			☑				☑	☑				☑	☑	☑		☑	☑
مؤلفه های مرتبط: تعادل				☑	☑					☑					☑	☑	
مؤلفه های مرتبط: تغییر						☑						☑		☑			
مؤلفه های مرتبط: اهمیت	☑	☑			☑	☑	☑		☑		☑	☑					

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

گذر زمان شناسایی، ارزیابی، تقویت و تثبیت شود. مجموع موارد مرور شده در این بخش، ساختار نظری این مطالعه را شکل داده که در قالب شکل۲ ارائه شده است. آنچه در ادامه مورد مطالعه قرار گرفته با تکیه بر این مدل، به بازشناسی و ارزیابی وضعیت یکپارچگی تاریخی-ساختاری در محدوده تاریخی مرکزی شهر قزوین خواهد پرداخت که آن را هم‌راستا با تحولات معاصر و همچنین اصالت اثر تبیین خواهد کرد.



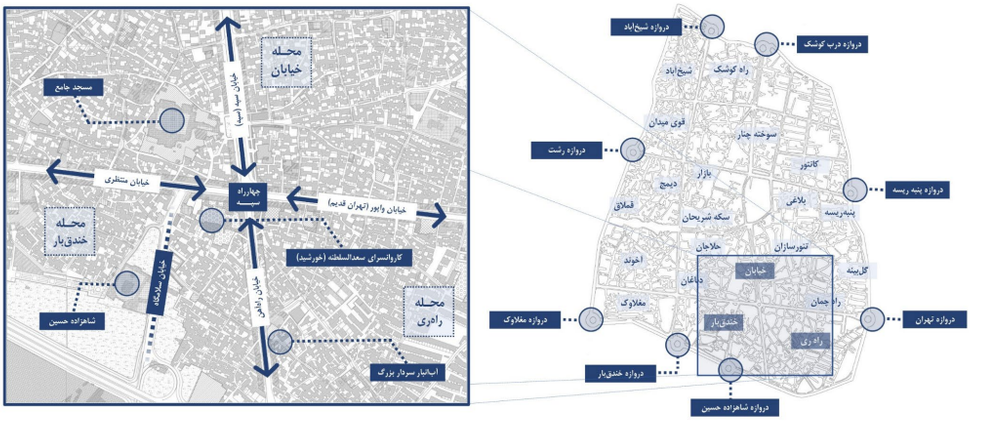
شکل ۲. یکپارچگی و چهارچوب نظری مرتبط با آن
Figure 2. Integrity and theoretical framework

۵. معرفی محدوده مورد مطالعه:

شهر قزوین دارای بافت تاریخی با ارزش‌های خاص معماری، فرهنگی و زیست‌محیطی است و بافت تاریخی آن، شامل محدوده هسته اولیه تا پایان دوران صفویه و توسعه متأخر آن از این دوره تا آغاز طرح‌های جامع شهری است. به نوشته پرهیزکاری (Parhizkari, 2011) قزوین برحسب مندرجات کتابچه سرشماری قزوین مربوط به سال ۱۲۹۹-۱۲۹۸ ه.ق شانزده محله داشته است: آخوند (بن درخت)، بلاغی (فشتهول، فشتاول)، پنبه ریسه، تنورسازان خندقبار (کنده‌وار)، خیابان، دباغان، دیمج، راه چمان، راه ری، راه کوشک، سُکّه شُریحان، سوق الاغنام (گوسفند میدان، قوی میدان)، قُملاق، گُلبینه، مغلاوک (چینی‌بندان). نام محلهٔ حلّاجان در کتابچه سرشماری نیامده است که محله هفدهم شهر است. در گفتگوی عامّه «پایین محله» و «شیخ آباد» دو محله دیگر شهر به حساب می‌آمده است، در حالی‌که اولی جزء محله راه ری است و دومی جزء محله گوسفند میدان بوده و محله جداگانه‌ای نیستند. هویت تاریخی قزوین، وابسته به تداوم حیات این محلات و ساختارهای پیرامونی آن هاست. از بین محلات نام برده، محلات مورد مطالعه در این پژوهش در بخش جنوبی بافت تاریخی قزوین قرار دارند. محله راه‌ری، خندق بار و خیابان محله‌هایی هستند که در گذر زمان تحولات و توسعه‌های شهری متعددی را به خود دیده‌اند. همین موضوع موجب شد تا این سه به‌عنوان نمونه‌های مناسبی برای بررسی تغییر و تحولات ساختاری در گذر زمان انتخاب و مورد مطالعه قرار گیرند (شکل۳).

محله راه‌ری یکی از محلاتی است که در ورودی جنوبی شهر قرار داشته است. این محله به دلیل موقعیت جغرافیایی و حفظ ساختار بافت قدیمی‌اش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. محله راه‌ری با گذر تاریخی «راه‌ری» که ارتباط کلیدی با شهرهای شرقی قزوین دارد، نقش مهمی در تاریخ ایفا کرده است. در دوران صفویه، با ساخت ارگ حکومتی، خیابان‌های اصلی شهر از جمله دروازه ری و بازار به‌عنوان محورها و مراکز مهم تجاری و مذهبی تبدیل شدند. همچنین، میدان اسب به‌عنوان نقطه اتصال ارگ و خیابان سپه اهمیت زیادی داشت. درختان چنار که در عکس‌های قدیمی از دوره قاجار مشاهده می‌شوند، نشان‌دهنده قدمت این خیابان‌ها به دوران صفوی هستند (Parhizkari, 2011). محله خیابان، که همان محدوده خیابان سپه است، یکی از دیگر محلات تاریخی قزوین است (شکل۴ راست). بنیادهای این خیابان در دوران شاه‌طهماسب اول بوده و علاوه بر اینکه اولین خیابان طراحی‌شده در ایران شناخته می‌شود، به‌عنوان محور اصلی ارتباطی در این محدوده از شهر نقش ایفا کرده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های و بناهای این محدوده، مسجد جامع، بازارچه سپه و طراحی شهری متفاوت آن است که ویژگی‌هایی چون مسیر مستقیم برای رفت‌وآمد را داراست (Parhizkari, 2011).

سومین محله که جزو محلات مهم در بافت تاریخی قزوین محسوب می‌شود، محله خندق‌بار یا (کنده‌وار) است (شکل۴ چپ). این محله که در شرق رودخانه دیزج و غرب حصار شاپوری واقع شده است، در کنار محله‌های راه‌ری و خیابان قرار دارد. در این محله، علاوه بر ۶ آب‌انبار و ۳ مسجد، شاهزاده حسین و ۳ کاروان‌سرا نیز قرار دارد. همچنین خانه-حسینیه امینی‌ها که یکی از زیباترین خانه‌های قاجاری است نیز در این محله قرار گرفته است. در گذشته، پایین‌محله دباغان که اکنون محل اداره آگاهی است، حصاری به نام «خندق بار» داشت و یکی از دروازه‌های شهر نیز در این منطقه قرار داشت. در محلات ذکر شده، احداث دو خیابان تاثیر بسیار زیادی داشته است: خیابان راه‌آهن[۲۰] که تا سال ۱۳۱۲ وجود نداشته و خیابان واپور[۲۱] یا تهران قدیم که برای عبور وسایط نقلیه در دوره قاجار طراحی شد. راه‌ری به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین مسیرهای ورودی شهر، از دوره ساسانی تا صفویه، کارکرد ارتباطی و مذهبی داشته و وجود مسجد و آرامگاه‌های کهن در آن، پیوندی قوی با ساختار آیینی شهر برقرار کرده است. در شرق شهر، خندق‌بار با تمرکز بر عناصر مذهبی و خدماتی چون مسجد، آب‌انبار و مدرسه، ساختاری محله‌محور و بر پایه‌ی نظم اجتماعی قاجاری را شکل داده و با این‌حال، توسعه‌های دوره پهلوی و گسترش خیابان‌ها باعث برهم خوردن پیوستگی این ساختارها شده است.



شکل ۳. محلات شهر قزوین، محدوده مورد مطالعه، خیابان‌ها و بناهای شاخص (Golriz, 1980)
Figure 3. Neighborhoods of Qazvin city, study area, streets and historic buildings (Golriz 1980)

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]



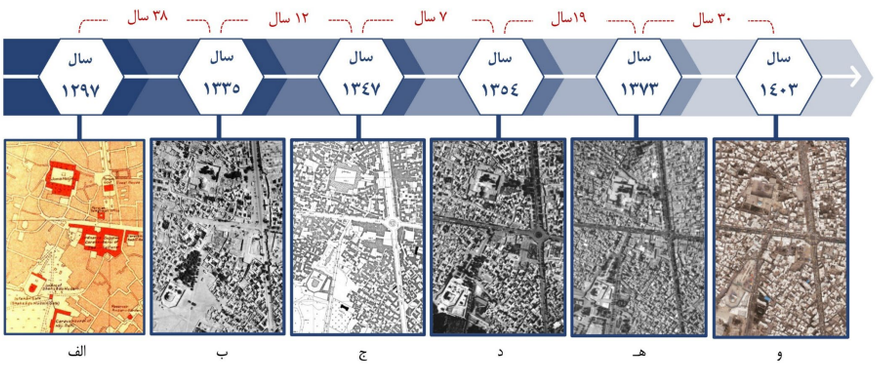
شکل ۴. منظر بافت تاریخی قزوین در دهه ۸۰ ه.ش (محدوده مورد مطالعه)؛ راست: محدوده مسجد جامع، چپ: محدوده شاهزاده حسین (عکس ها از آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قزوین)

Figure 4. Study area of Qazvin historic urban fabric in 80s SH,Right: Jameh Mosque, Left: Imamzadeh Hossein

۶. بررسی یکپارچگی ساختاری-تاریخی در محدوده مورد مطالعه

یکپارچگی تاریخی–ساختاری درواقع شامل یکپارچگی در تنظیم سازمان فضایی، انسجام و ساختار یک محدوده فرهنگی است که این ویژگی‌ها در بستر تاریخی آن شکل‌گرفته‌اند. پژوهش‌ها در این زمینه نمایانگر این است که تغییر و تحولات صورت‌گرفته چگونه بر مقیاس محلات، محدوده، بافت، بناها و ویژگی‌های ساختاری یک محدودهٔ شهریِ تاریخی تأثیر گذاشته و چگونه یکپارچگی آن را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. در محلات و محدوده مورد بررسی در این مطالعه، یکی از خیابان‌هایی که تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده، خیابان سپه (که امروزه به نام خیابان شهدا شناخته می‌شود) است که در محله خیابان[۲۲] قرار دارد. علاوه بر این بررسی تغییرات عناصر بزرگ‌مقیاس و محدوده‌های پیرامونی عناصری مثل مسجد جامع، امامزاده حسین و سایر بناهای ارزشمند این محدوده، حائز اهمیت بوده و قابل‌توجه ویژه است. در این راستا در کنار توجه به محدوده پیرامونی و تغییر و تحولات عناصر ارزشمند، نیاز است مقیاس بزرگتری در سطح محله نیز برای بررسی یکپارچگی ساختاری مورد توجه قرار گیرد. از این رو روند بررسی در این مطالعه در دو مقیاس محله و محدوده پیرامونی انجام شده است؛ به‌گونه‌ای که قدیمی‌ترین نقشه موجود از محدوده (مربوط به سال ۱۲۹۷ هجری شمسی)، به صورت مرحله به مرحله تا سال ۱۴۰۳ مورد بررسی، تحلیل و ارزیابی تطبیقی قرار گرفته است. در مقیاس بزرگتر سه محله (راه ری، خندق‌بار و خیابان) و در محدوده پیرامونی تلاش شده با تمرکز بر بناهای شاخص موجود (مسجد جامع، خیابان سپه و شاهزاده حسین) تمام فاصله ارتباطی بین این بناها و همچنین ترجیحاً چندین پلاک پیرامون هر کدام از بناهای شاخص نیز به‌صورت مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار گیرند.

سیر و فرآیند مقایسه‌ای ذکر شده (با توجه به اسناد و نقشه‌های تاریخی موجود از محدوده) در شکل ۵ ارائه شده است. در این خط زمانی، نقشه‌های مربوط به شش سال مختلف به ترتیب زمانی از چپ به راست قرار گرفته‌اند و فاصله زمانی میان هرکدام مشخص شده است. ساختار کلی نقشه‌ها، چه در مقیاس محله و چه در مقیاس محدوده، مشابه در نظر گرفته شده و نقشه‌های مورد مقایسه شامل موارد زیر هستند: مقایسه نقشه سال ۱۲۹۷ شمسی (شکل ۵ – الف) با نقشه سال ۱۳۳۵ شمسی؛ مقایسه نقشه سال ۱۳۳۵ شمسی (شکل ۵ – ب) با نقشه سال ۱۳۴۷ شمسی؛ مقایسه نقشه سال ۱۳۴۷ شمسی (شکل ۵ – ج) با نقشه سال ۱۳۵۴ شمسی؛ مقایسه نقشه سال ۱۳۵۴ شمسی (شکل ۵ – د) با نقشه سال ۱۳۷۳ شمسی و مقایسه نقشه سال ۱۳۷۳ شمسی (شکل ۵ – هـ) با نقشه سال ۱۴۰۳ شمسی (شکل ۵ – و). افزون بر دستیابی به برخی از داده‌ها از طریق مقایسه نقشه‌ها در کنار یکدیگر و نیز بررسی‌های میدانی که توسط پژوهشگران انجام شده، اطلاعات توصیفی و رویدادی مربوط به تحولات و سیر تغییرات نیز از مجموعه منابع معتبر شامل کتاب‌ها، مقالات علمی و گزارش‌های موجود در مرکز اسناد میراث‌فرهنگی استخراج شده و به تدقیق مطالعات بازشناسانه محدوده کمک کرده‌اند.



شکل ۵. خط زمانی اسناد تصویری (نقشه‌ها و عکس‌های هوایی) مورداستفاده در این مطالعه

Figure 5. Timeline of visual documents (maps and aerial photographs) used in this study

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

۶. ۱. اتفاقات و تغییرات از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۳۵

مقایسه وضعیت محلات تاریخی قزوین، از نقشه سال ۱۲۹۷ تا نقشه سال ۱۳۳۵ شمسی، نشان‌دهنده تغییرات بنیادینی در ساختار شهری این محدوده است. یکی از مهم‌ترین این تغییرات، از بین رفتن مهمان‌خانه قزوین در محله خیابان است که در متون تاریخی همچون «المآثر والآثار» اعتمادالسلطنه و «سفرنامه مکه» حسام‌السلطنه به شکلی مفصل توصیف شده است. این مهمان‌خانه که روزگاری در شمار بناهای شاخص شهر محسوب می‌شد، در طول سال‌ها و با گسترش خیابان سپه (شهدا) از میان رفت (Dabirsiyaghi, 2002: 321-322). در همین دوره، احداث خیابان راه‌آهن که تا سال ۱۳۱۲ وجود نداشت، از جمله تغییرات اساسی این منطقه به شمار می‌آید. خیابانی که در نقشه ۱۳۳۵ دیده می‌شود، به‌منظور ایجاد دسترسی بهتر به ایستگاه راه‌آهن قزوین احداث شد و موجب تحولات کالبدی گسترده‌ای در این محدوده گردید. این توسعه، تخریب بسیاری از بناهای ارزشمند از جمله مهمان‌خانه، چاپارخانه و تلگراف‌خانه را به دنبال داشت و با تغییر در الگوی شهری، معابر و مسیرهای تازه‌ای را به شهر افزود. در این میان، کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) تا آن زمان به‌صورت یکپارچه باقی مانده بود (Golriz, 1980: 295). همچنین در کنار خیابان راه‌آهن، خیابان واپور یا تهران قدیم، از نخستین مسیرهای ارتباطی مهم قزوین به‌شمار می‌رفت که از دروازه تهران آغاز و تا مهمان‌خانه قزوین امتداد داشت و سپس به سمت خیابان سپه (شهدا) منحرف می‌شد. این خیابان که در ابتدا به‌دلیل عبور ماشین‌های بخار به «واپور بخار» شهرت داشت، بعدها با احداث خیابان شاه (طالقانی کنونی) و خیابان پهلوی (امام خمینی کنونی) اهمیت خود را از دست داد و ساختار شرقی–غربی شهر تغییر یافت (Golriz, 1980: 290).

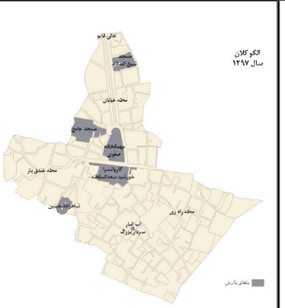
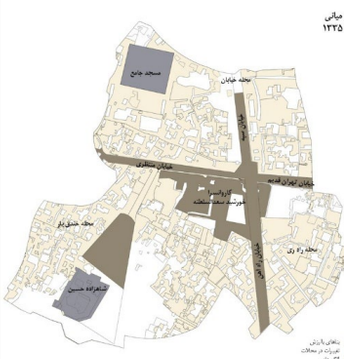
در مقایسه مقیاس محدوده، مطالعه نقشه سال ۱۲۹۷ ه.ش نشان می‌دهد که خیابان سپه در دو مرحله ساخته شده است. مرحله اول از سردر عالی‌قاپو تا ابتدای محور محمدیه بوده و سردری در انتهای خیابان به‌وجود آمده است. مرحله دوم خیابان تا مقابل مسجد جامع ادامه یافته و احتمالاً ساخت سردر مسجد جامع هم‌زمان با این بخش بوده است. براساس اطلاعات موجود، طول خیابان از عالی‌قاپو تا فضای روبه‌روی مسجد جامع حدود ۷۰۰ گام بوده که با نقشه‌های قاجاری هم‌خوانی دارد (Parhizkari, 2011). مسجد جامع قزوین با دو کانون مهم تاریخی، یعنی باغ سعادت‌آباد و بازار سنتی شهر، پیوند دارد. این سه قطب ظرفیت بالایی در ساختار شهری دارند، اما مداخلات مختلف شهری بدون هماهنگی و به‌طور پراکنده انجام شده است. نقشه‌ها نشان می‌دهند که در بخش شرقی خیابان سپه، پیشروی‌هایی نسبت به بدنه قاجاری ایجاد شده که ممکن است با احداث هتل ایران مرتبط باشد. همچنین، ورودی بازارچه سپه در موقعیتی عقب‌تر از این پیشروی‌ها قرار دارد و باعث کاهش عرض پیاده‌رو شده است. در نقشه ۱۲۹۷، کاروان‌سرای خورشید (سعدالسلطنه) تا ورودی شاهزاده حسین امتداد داشته است. ورودی این کاروانسرا در خیابان سپه قرار داشته است. در نقشه سال ۱۳۳۵ تغییرات ناشی از احداث خیابان راه‌آهن کاملاً مشهود است که به تخریب بخش هایی از محله راه‌ری و کاروان‌سرا منجر شده است. این تغییرات به گسست ساختاری و دگرگونی در بافت تاریخی جنوب شهر قزوین انجامید، که در نتیجه آن الگوی شهری پیشین را تغییر داد (جدول ۲).

۶. ۲. اتفاقات و تغییرات از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۷

در مقایسه مقیاس نقشه‌های محلات قزوین در سال های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۷، تحولات چشمگیری در ساختار شهری این شهر مشاهده می‌شود. خیابان سلامگاه که در نقشه ۱۳۳۵ ناتمام بود، در سال ۱۳۴۷ به‌طور کامل ساخته شده و تعداد بلوک‌ها و سازماندهی آن دستخوش تغییرات مهمی گردیده

جدول ۲. مقایسه تغییر و تحولات ساختاری بین سال های ۱۲۹۷ تا ۱۳۳۵ ه.ش

Table 2. Comparison of Historical-Structural changes between 1297 and 1335 SH

رد	زمان	بیان تصویری از وضعیت محدوده		خلاصه شرح وضعیت/ تغییرات	منابع مرتبط
		مقیاس محله	مقیاس محدوده		
۱	۱۲۹۷ ه. ش			در سال ۱۲۹۷ خیابان سپه در دو مرحله احداث شد که مرحله اول از سردر عالی‌قاپو تا ابتدای محور محمدیه و مرحله دوم تا مقابل مسجد جامع ادامه یافت. در این زمان، کاروانسرای سعدالسلطنه همچنان به‌عنوان یک بنای یکپارچه باقی مانده بود. همچنین، خیابان واپور از مسیرهای اصلی ارتباطی قزوین به شمار می‌رفت.	نقشه سال ۱۲۹۷: (Alai, 2010)
۲	۱۳۳۵ ه. ش			در سال ۱۳۳۵، با احداث خیابان راه‌آهن، تحولات کالبدی گسترده‌ای در منطقه ایجاد شد که منجر به تخریب بسیاری از بناهای تاریخی شامل مهمان‌خانه قزوین، چاپارخانه و تلگراف‌خانه گردید. این تغییرات همچنین باعث کاهش اهمیت خیابان واپور شد.	نقشه سال ۱۳۳۵: (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۳۵) منابع شرح تغییرات: (Golriz, 1980; Dabirsiyaghi, 2002; Parhizkari, 2011)

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

است. همچنین، در نقشه ۱۳۴۷، محوطه‌سازی جلوی مسجد جامع طراحی شده است که فضایی دعوت‌کننده ایجاد کرده است. در این مقطع زمانی، مجموعه خورشید (سعدالسلطنه) نیز دگرگونی‌های چشم‌گیری را تجربه کرده و کاربری جدیدی به آن افزوده شده است. یکی از تحولات قابل توجه، استقرار بنگاه باربری صداقت در کاروان‌سراست که به‌طور عمده بر ساختار بنا اثر گذاشته و موجب تخریب بخش هایی از آن گردیده است. علاوه بر این، در نقشه ۱۳۴۷ تغییراتی در محوطه‌سازی امامزاده حسین و تکمیل خیابان منتظری در محله خندق‌بار مشاهده می‌شود. در محله راه‌ری نیز تعداد بلوک‌ها و گذرها افزایش یافته و در قلب خیابان سپه، میدان جدیدی به نام سبزه‌میدان ایجاد شده است که پیش از آن در نقشه‌ها جایی نداشت. همچنین در مقیاس محدوده پیرامونی، تغییرات عمده‌ای در ساختار شهری مشاهده می‌شود. احداث میدان سپه در انتهای خیابان سپه و تغییرات خیابان تهران به‌ویژه در دوران پهلوی دوم، تأثیر زیادی بر تخریب بخش هایی از کاروان‌سرا و بناهای اطراف آن گذاشته است. آنگونه که قابل تشخیص است تغییرات این دوره باعث دقیق‌تر شدن طراحی شهری و ریزتر شدن بلوک‌بندی‌ها نیز شده است (جدول ۳).

۶. ۳. اتفاقات و تغییرات از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴

در مقیاس محله و در فاصله هفت ساله میان سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴، تغییرات ساختاری عمده‌ای در نقشه‌های شهری مشاهده نمی‌شود. با این حال، تغییرات جزئی مانند اضافه‌شدن گذرها و افزایش تعداد بلوک‌ها در محله راه‌ری به‌چشم می‌خورد. همچنین، جلوخان امامزاده حسین در محله خندق‌بار در سال ۱۳۵۴ با بهبود فضای سبز، جدول‌گذاری و مسیرهای پیاده‌روی ساماندهی بهتری یافته است. در کاروان‌سرای خورشید (سعدالسلطنه)، تغییرات قابل‌توجهی رخ داده که عمدتاً به افزایش تخریب بخش هایی از بنا و تغییر کاربری آن منجر شده است. در این بازه، تخریب شبستان جبهه جنوبی و عرصه این مجموعه آغاز شده است. همچنین در مقیاس محدوده، در نقشه سال ۱۳۵۴، ورودی جدیدی به کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) افزوده شده که در نقشه ۱۳۴۷ وجود نداشت (جدول۴).

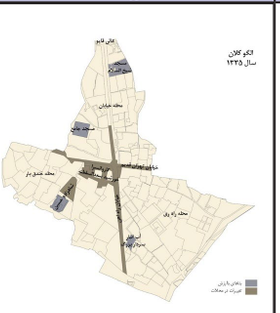
آن گونه که حاجی ملکی (Haji Maleki, 2010) اشاره می‌کند با این تغییر، تا این سال، مجموعه دارای سه ورودی شده است: نخستین ورودی از طریق مغازه‌ای که به یکی از مالکان بنا تعلق داشته، ورودی دوم که در نتیجه مداخلات دهه ۴۰ و اعمال کاربری جدید از خیابان راه‌آهن به بنا الحاق شده و سومین ورودی که پس از واگذاری بخشی از جبهه جنوبی بنا برای احداث فضای آموزشی، جهت ورود ماشین‌آلات سنگین ایجاد شده است.

۶. ۴. اتفاقات و تغییرات از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۳

در مقیاس محله در دهه ۷۰، همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، سه محلهٔ راه‌ری، خندق‌بار و خیابان دستخوش رشد چشمگیری شده‌اند. طرح تفصیلی قزوین در سال ۱۳۷۰ با افق ۱۳۸۰ تدوین شده بود و باتوجه به جمعیت ۱۵۶ هزارنفری شهر در این دهه، افزایش تعداد خانه‌ها امری بدیهی به نظر می رسد. در این محلات، تغییرات ساختاری قابل‌توجهی رخ‌داده است؛ از جمله، در لبه‌های خیابان، فرم منظمی برای استقرار دکان‌ها ایجاد شده و گذرهای اصلی در هر سه محله گسترش یافته‌اند. همچنین، محوطهٔ جلوخان مسجد جامع و مسجد شیخ‌الاسلام ساماندهی شده‌اند. با مقایسهٔ نقشه‌ها مشخص می‌شود که کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) در این بازه زمانی آسیب‌های شدیدی دیده و با تغییر کاربری‌های متعدد، بخش هایی از جبههٔ جنوبی و شرقی آن از بین رفته است. از سوی دیگر، امامزاده حسین از بناها و خانه‌های اطرافش مستقل شده و جداره‌ای مشخص برای آن در نظر گرفته شده است. در مقیاس محدوده، در نقشهٔ سال ۱۳۷۳، انتهای خیابان راه‌آهن،

جدول ۳. مقایسه تغییر و تحولات ساختاری بین سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۷ ه.ش

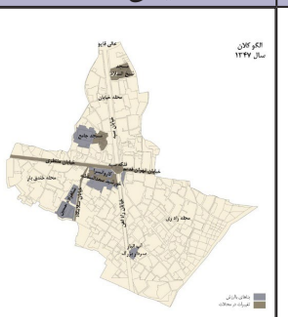
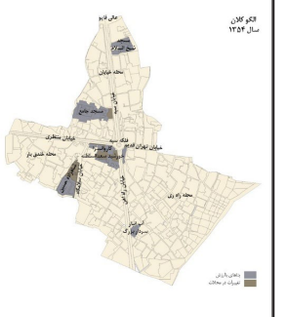
Table 3. Comparison of Historical-Structural changes between 1335 and 1347 SH

رد	زمان	بیان تصویری از وضعیت محدوده		خلاصه شرح وضعیت/ تغییرات	منابع مرتبط
		مقیاس محله	مقیاس محدوده		
۱	۱۳۳۵ ه. ش			بین سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۷، خیابان سلامگاه که در سال ۱۳۳۵ ناتمام بود، در ۱۳۴۷ تکمیل شد و بلوک‌بندی آن تغییر یافت. همچنین، محوطه‌سازی مسجد جامع و جلوخان امامزاده حسین بهبود یافته و فضایی دعوت‌کننده ایجاد شده است. مجموعه سعدالسلطنه نیز دچار تغییرات اساسی شد و بنگاه باربری صداقت در آن مستقر گردید که به تخریب بخشی از بنا منجر شد. احداث میدان سپه در انتهای خیابان سپه و توسعه خیابان تهران در دوران پهلوی دوم نیز موجب تغییرات چشمگیری در بافت شهری شد. این دوره با ریزتر شدن بلوک‌بندی‌ها و دقیق‌تر شدن طراحی شهری همراه بوده است.	نقشه سال ۱۳۳۵: (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۳۵)
۲	۱۳۴۷ ه. ش				نقشه سال ۱۳۴۷: (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۴۷) منابع شرح تغییرات: (Golriz, 1980; Dabirsiyaghi, 2002; Parhizkari, 2011)

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

جدول ۴. مقایسه تغییر و تحولات ساختاری بین سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ ه.ش
Table 4. Comparison of Historical-Structural changes between 1347 and 1354 SH

رد	زمان	بیان تصویری از وضعیت محدوده		خلاصه شرح وضعیت/ تغییرات	منابع مرتبط
		مقیاس محله	مقیاس محدوده		
۱	۱۳۴۷ ه. ش			بین سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴، گذرها و بلوک‌ها در محله راه‌ری افزایش یافته‌اند. جلوخان امامزاده حسین با بهبود فضای سبز و مسیرهای پیاده‌روی ساماندهی شده است. در کاروان‌سرای سعدالسلطنه، تخریب بخش‌هایی از بنا و تغییر کاربری آن ادامه داشته و شبستان جبهه جنوبی تخریب شده است. همچنین، ورودی جدیدی به این بنا افزوده شده که تا این سال، تعداد ورودی‌های آن را به سه مورد رسانده است.	نقشه سال ۱۳۴۷: (سازمان‌نقشه‌برداری کشور۱۳۴۷)
۲	۱۳۵۴ ه. ش				نقشه سال ۱۳۵۴: (سازمان‌نقشه‌برداری کشور ۱۳۵۴) منابع شرح تغییرات: (Haji Maleki, 2010)

بلوار جمهوری اسلامی و پل راه‌آهن احداث شده‌اند که هدف از ایجاد آن ها کاهش ترافیک و ایجاد مسیر ارتباطی میان خیابان تهران قدیم و تاکستان بوده است. این مسیر از خیابان دوراهی همدان عبور می‌کند. در همین سال، بخشی از کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) به نهادهای دولتی واگذار شد. در این فرایند، بخش جنوبی مجموعه که در لایه‌های انتهایی کاروان‌سرا قرار داشت، توسط مالکین بنا برای احداث یک مدرسه در نظر گرفته شد و در حدود سال ۱۳۷۳، با ماشین‌آلات سنگین تخریب شد. با این حال، مداخلهٔ سازمان میراث‌فرهنگی مانع از تخریب کامل این بخش گردید. در سال ۱۳۶۲ نیز، بخش اصلی کاروان‌سرای خورشید از میان‌سرا دوم جدا و دارای پلاک مجزایی شد (Haji Maleki, 2010). در نقشهٔ سال ۱۳۷۳، دانه‌بندی ساختمان‌ها ریزتر از سال ۱۳۵۴ دیده می‌شود و خیابان‌کشی‌ها و تعریض مسیرها در محله‌های راه ری و خندق بار به‌وضوح نمایان است. همچنین، طراحی فضای سبز در جلوخان مسجد جامع و امامزاده حسین نیز در این سال‌ها به اجرا درآمده است (جدول ۵).

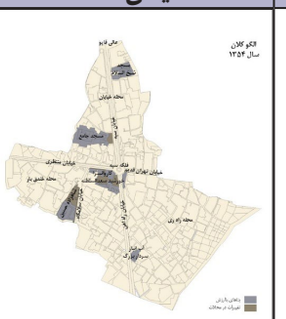
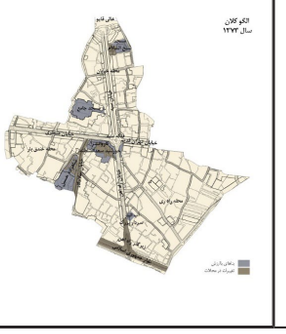
۶. ۵. اتفاقات و تغییرات از سال ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۳

در بررسی نقشه‌های شهری از سال ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۳ در مقیاس محله، تغییرات ساختاری مهمی در سه محله مشاهده می‌شود (جدول ۶). یکی از بارزترین این تغییرات، گشایش فضای باز در مقابل مسجد جامع و مسجد شیخ اسلام است که با ترکیب فضای سبز، نقش چشمگیری در تعاملات اجتماعی و فضایی خیابان سپه ایفا می‌کند. تا سال ۱۳۷۰، در جلوخان مسجد جامع حوض آبی وجود داشت که متأسفانه این عنصر به مرور از بین رفته است. خیابان سپه به‌عنوان یکی از خیابان‌های مهم، با مجموعه‌های باارزشی چون مسجد شیخ‌الاسلام، مسجد جامع و عالی‌قاپو شناخته می‌شود. اما متأسفانه کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) در بین این بناهای هم‌جوار بیشترین آسیب و تخریب را متحمل شده و پیوستگی و یکپارچگی خود را در مقایسه با دیگر عناصر کالبدی و ساختاری اطراف بیشتر از دست داده است. این تخریب‌ها در نقشه سال ۱۴۰۳ نیز قابل مشاهده است. در مقایسه با خیابان‌های سپه، منتظری و تهران قدیم، خیابان سپه بیشترین تغییرات ساختاری را تجربه کرده است که در نهایت منجر به بهبود ساختار بناهای تاریخی این منطقه شده است. توسعه توده درونی بافت در محله‌ها از دیگر تغییرات قابل توجه است که در نقشه سال ۱۳۷۳ و ۱۴۰۳ به‌وضوح دیده می‌شود. این تغییرات منجر به نزدیکی بیشتر بلوک‌ها و گذرها به یکدیگر و تبدیل فلکه سپه به چهارراه سپه و تغییر نام خیابان سپه به خیابان شهدا گردید. در مقیاس محدوده، یکی از تحولات تبدیل فلکه سپه به چهارراه سپه است. در این بازه، تغییرات زیادی در دانه‌بندی و الگوهای پر و خالی شهری اتفاق افتاده که تاثیرات عمیقی بر ساختار کالبدی بافت شهری داشته است. مهم‌ترین تغییر در نقشه سال ۱۴۰۳، تبدیل شهر از یک وضعیت گذری به یک مجموعه زنده شهری با ارتباط مستقیم با حیات روزمره، به‌ویژه با وجود بازارچه شرقی خیابان سپه است. در نتیجه تغییرات ناشی از احداث خیابان راه‌آهن در دوره پهلوی اول، کاروانسرای سعدالسلطنه دچار اولین آسیب‌ها شد و در ادامه تغییرات شهری باعث شد تا این مجموعه نتواند همچنان به حیات خود در زندگی شهری ادامه دهد. حضور کاربری‌های متعدد غیرمتناسب با ساختار اصلی مجموعه، به تدریج موجب انزوای آن در شهر شد. این تحولات در کنار آسیب‌هایی که به این بنا وارد گردید، باعث شد که علی‌رغم ارزش‌های معماری آن، این کاروان‌سرا به‌عنوان یک بنای منزوی باقی بماند.

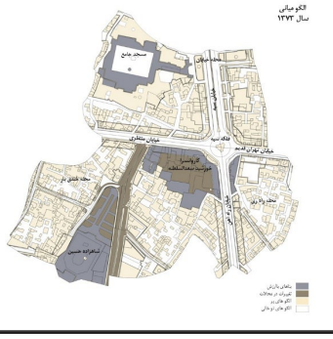
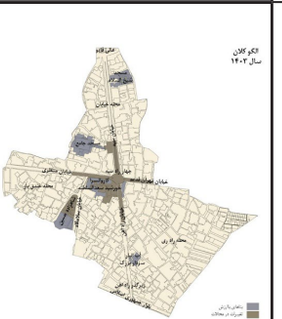
[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

جدول ۵. مقایسه تغییر و تحولات ساختاری بین سال های ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۳ ه.ش
Table 5. Comparison of Historical-Structural changes between 1354 and 1373 SH

رد	زمان	بیان تصویری از وضعیت محدوده		خلاصه شرح وضعیت/ تغییرات	منابع مرتبط
		مقیاس محله	مقیاس محدوده		
۱	۱۳۵۴ ه. ش			در دهه ۷۰، سه محله راه‌ری، خندق بار و خیابان شاهد رشد سریع و تغییرات ساختاری مهمی بودند. خیابان‌ها عریض‌تر شده و دکان‌ها به‌طور منظم در لبه‌ها قرار گرفتند. کاروان‌سرای سعدالسلطنه دچار تخریب و تغییر کاربری شد و امامزاده حسین مستقل از اطرافش قرار گرفت. در نقشه ۱۳۷۳، بلوار جمهوری اسلامی و پل راه‌آهن ساخته شده و بخشی از کاروان‌سرا برای احداث مدرسه تخریب شد. همچنین جلوخان مسجد جامع و امامزاده حسین دچار تغییراتی شده است .	نقشه سال ۱۳۵۴: (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۵۴)
۲	۱۳۷۳ ه. ش				نقشه سال ۱۳۷۳: (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۷۳) منابع شرح تغییرات: (Haji Maleki, 2010)

جدول ۶ مقایسه تغییر و تحولات ساختاری بین سال های ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۳ ه.ش
Table 6. Comparison of Historical-Structural changes between 1373 and 1403 SH

رد	زمان	بیان تصویری از وضعیت محدوده		خلاصه شرح وضعیت/ تغییرات	منابع مرتبط
		مقیاس محله	مقیاس محدوده		
۱	۱۳۷۳ ه. ش			گشایش فضای باز مقابل مسجد جامع و شیخ الاسلام، به‌طور قابل توجهی تعاملات اجتماعی خیابان سپه را تحت تأثیر قرار داده است. خیابان سپه، در مقایسه با دیگر خیابان‌ها، تغییراتی را تجربه کرده است . کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) در این دوره بیشترین آسیب را دیده و پیوستگی خود را از دست داده است. همچنین، فلکه سپه به چهارراه و نام خیابان سپه نیز به خیابان شهدا تغییر یافت.	نقشه سال ۱۳۷۳: (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۷۳)
۲	۱۴۰۳ ه. ش				نقشه سال ۱۴۰۳: (عکس هوایی/ www.googleearths.com)

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

۷. بحث و تحلیل:

آن‌گونه که در بخش چهارچوب نظری به‌تفصیل درباره یکپارچگی تاریخی- ساختاری مرور شد، چهار وجه تداوم، تغییر، تعادل و اهمیت از مواردی بودند که باید در یک سیر زمانی مورد دقت‌نظر قرار می‌گرفت. همچنین اشاره شد که در روند حفاظت از میراث‌فرهنگی، «یکپارچگی» و «اصالت» به‌عنوان دو مؤلفهٔ مکمل و درهم‌تنیده قابل توجه هستند. اصالت به حفظ ویژگی‌های سندیت تاریخی و معنای راستین اثر اشاره دارد، درحالی‌که یکپارچگی، تضمین‌کنندهٔ کلیت ساختاری، مفهومی و مادی آن است (UNESCO-WHC, 2005). بررسی و ارزیابی صورت گرفته بر روی محدوده مرکزی بافت تاریخی شهر قزوین و مقایسه دوگانه نقشه‌ها و عکس‌های تاریخی بخش مهمی از این وجوه را مورد دقت‌نظر قرار داده و تغییر و تحولات شهری با تمرکز بر این وجوه تبیین گردیده است. در نتیجه این دو مفهوم نه به‌صورت مستقل، بلکه در ارتباط با یکدیگر در موضوع بافت تاریخی معنا یافته؛ به‌گونه‌ای که بدون یکپارچگی، هویت اصیل یک مکان قابل‌انتقال نخواهد بود (Rossler, 2008). همین نگاه کلی موجب شد که برای ارزیابی در بافت تاریخی قزوین هر دو وجه در کنار هم مطالعه شود و البته برای بررسی یکپارچگی ساختاری تمام اجزای مؤثر بر آن در یک سیر تاریخی مورد توجه ویژه قرار گیرند. این بررسی و ارزیابی نشان می‌دهد که سه محله تاریخی راه‌ری، خیابان و خندق‌بار، با تغییراتی در یکپارچگی ساختاری و به تبع آن هویتی همراه بوده‌است. به‌عنوان نمونه همان‌گونه که جیحانی و شفیعی (Jeyhani, & Parichehr, 2018) نیز به این موضوع اشاره می‌کنند که خیابان‌ها می‌توانند در انسجام و یکپارچگی محدوده تأثیرگذار باشند و میزان آن را کاهش دهد در محدوده مورد مطالعه در این مقاله نیز همین موضوع موجب تغییر در یکپارچگی شده‌است. باید در نظر داشت که به‌ویژه در ارزیابی ساختارهای باقیمانده، عاملی مثل فرم و سازمان فضایی می تواند هویت مکان‌ها را از طریق یکپارچگی و انسجام تاریخی در ساختارها و عناصر اصلی آن شناسایی، تقویت و تثبیت کند. این هویت مکان نه‌تنها از ساختار کالبدی و تغییرات آن تأثیر پذیرفته، بلکه شاهدی از معنای فرهنگی و اجتماعی آن ها در یک سیر زمانی نیز بوده‌است.

در محدوده این مطالعه در بافت تاریخی قزوین باوجود تغییرات گسترده از سال ۱۲۹۷ تاکنون –از جمله احداث خیابان راه‌آهن که مهمان‌خانه صفوی و بخش هایی از کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) را از میان برد– همچنان عناصر ارزشمند تاریخی مانند مسجد جامع قزوین و سردر دولتخانه به‌عنوان نمادهای هویتی باقی مانده‌اند. این تغییرات، به‌ویژه در دوران پهلوی اول، به دگرگونی ساختار یکپارچه شهری انجامید و مسیرهای قدیمی را به شریان‌های جدید ارتباطی بدل کرد که از جمله آن، تبدیل خیابان بن‌بست مقابل سردر دولتخانه به محوری متصل به ایستگاه راه‌آهن بود. همانطور که مرور شد در بازه سال های ۱۲۹۷ تا ۱۳۳۵، یکی از این تغییرات مهم، تخریب مهمانخانه قزوین در محله خیابان سپه به دلیل گسترش خیابان‌ها بوده‌است. همچنین احداث خیابان راه‌آهن، که تا سال ۱۳۱۲ وجود نداشت، منجر به تخریب بسیاری از بناهای ارزشمند و تغییر در الگوی شهری شد. کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) تا آن زمان یکپارچه باقی مانده بود، با احداث خیابان راه‌آهن و تغییرات شهری، دچار تخریب‌های جدی شد. این تحولات به گسست ساختاری و تغییرات اساسی در این محدوده انجامید. در ادامه و در بازه سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۷، نیز این تحولات عمده در ساختار شهری ادامه پیدا کرد. خیابان سلامگاه تکمیل و بلوک‌بندی‌ها تغییر کرد. محوطه‌سازی مقابل مسجد جامع و تکمیل خیابان منتظری از دیگر تغییرات مهم بود. همچنین، کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) با استقرار بنگاه باربری صداقت دستخوش تغییر و بخش هایی از آن تخریب شد. در محله راه‌ری و خیابان سپه نیز تغییراتی در بلوک‌ها و ایجاد میدان سبز به وقوع پیوست. در بازه سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ نیز تغییرات جزئی مانند افزایش گذرها و بلوک‌ها در محله راه‌ری و بهبود فضای جلوخان امامزاده حسین از موارد قابل توجه است. در بازه سال های ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۳ نیز تغییرات در محله‌های راه‌ری، خندق‌بار و خیابان رشد چشمگیری داشته‌اند. گسترش گذرها، سامان‌دهی جلوخان مسجد جامع و تغییرات کالبدی مانند تخریب بخشی از کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) و تغییر کاربری آن، از تحولات مهم این بازه‌اند. همچنین احداث بلوار جمهوری اسلامی، پل راه‌آهن و تعریض مسیرها برای کاهش ترافیک و ایجاد اتصال بین محله‌ها در این بازه انجام شده‌است. همچنین، محدوده امامزاده حسین از بافت اطراف جدا و بدنه‌ای مستقل برای آن تعریف شده‌است. در بازه سال های ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۳، ایجاد فضای باز و سبز در مقابل مسجد جامع و مسجد شیخ‌الاسلام، نقش مؤثری در بهبود تعاملات اجتماعی خیابان سپه داشته است. در این بازه زمانی خیابان سپه بیشترین تغییرات کالبدی را تجربه کرده و فلکه سپه نیز به چهارراه تبدیل شده‌است. توسعه توده‌های درونی و نزدیکی بلوک‌ها به یکدیگر از دیگر تغییرات شاخص این بازه زمانی است.

علاوه بر بررسی در بازه‌های زمانی، ارزیابی‌ها در مقیاس محله‌های تاریخی نیز قابل توجه هستند. یکی از مهم ترین عوامل تهدیدکننده یکپارچگی در محله راه ری، ساخت‌وسازهای ناهماهنگ و تغییرات در الگوهای میانی بافت، به‌ویژه در پی احداث خیابان و پل راه‌آهن همچنین بلوار جمهوری اسلامی، بوده‌است. با وجود این، کارکردهای مذهبی (مسجد سنجیده) و اقتصادی و بناهای تاریخی (آب‌انبار سردار بزرگ و حمام راه ری) همچنان در این محله جایگاه خود را حفظ کرده‌اند که نشان‌دهنده تداوم هویت آن با گذشته است. ارتباط این محله با محیط اطراف تلفیق آن با فضای شهری جدید، (ارتباط از خیابان راه ری به واسطه خیابان تالار به میدان تهران قدیم) همچنان می‌تواند به تقویت پیوستگی و انسجام این بافت کمک کند. در محله خیابان، ویژگی‌های بصری و کارکردی همچنان نمایانگر هویت اصیل این محدوده هستند. اما تأثیرات تغییرات شهری، به‌ویژه توسعه‌های شهری (تبدیل خیابان سپه به میدان و پس از آن به چهارراه) و نوسازی‌های ناهماهنگ مانند: استفاده از مصالح مدرن (مثل شیشه، فلز براق، بتن خام) در خیابان سپه کنونی، تخریب بناهای قدیمی مثل چاپارخانه و مهمان‌خانه قزوین، تغییر کاربری کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) و همچنین ساماندهی نامتوازن جلوخان مسجد جامع منجر به ازبین‌رفتن بخشی از یکپارچگی ساختاری این محله شده‌است. با این حال، در بسیاری از نقاط این محله، ترکیب‌های یکپارچه‌ای از فضاهای تاریخی و اجتماعی (ترکیب مسجد جامع و جلوخان آن با بازارچه پیرامونی و ترکیب مجموعه مسجد شیخ‌الاسلام و میدانچه اطراف آن، و همچنین ترکیب کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) و ارتباطش با بازارچه سنتی سپه) قابل‌مشاهده است که حفظ آن ها در کنار تحولات شهری صورت گرفته قابل‌توجه است. محله خندق‌بار نیز به‌ویژه در بخش های تاریخی و مذهبی خود، از انسجام ساختاری اصیل برخوردار بوده، اما مانند سایر محلات، به تدریج با چالش‌هایی در زمینه حفظ یکپارچگی روبه‌رو شده‌است. خیابان‌های جدید و تغییرات کاربری‌ها (احداث خیابان منتظری و خیابان سلامگاه و همچنین کاربری‌هایی از قبیل بانک‌ها، دفاتر بیمه و مؤسسات خدماتی، فروشگاه‌های لباس، لوازم دیجیتال و....)، به‌تدریج هویت محله را تهدید کرده‌اند، به‌ویژه در مناطقی که ساختار قدیمی آن ها دستخوش تغییر شده‌است.

در مجموع، هر سه محله یاد شده، با وجود چالش‌های متعدد در فرایند تحولات شهری، همچنان می‌توانند به‌عنوان نمونه‌های بارز از پیوستگی بافت کهن و فضای پیرامون خود در نظر گرفته شوند. البته تغییروتحول در نظام دسترسی‌ها و حتی کاربری‌های جداره خیابان‌های جدید همان‌گونه که اشاره شد و تاج احمدی و زمانی‌فرد (TajAhmadi Tabrizi, &

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

(Zamanifard, 2022: 16) نیز به آن اشاره می‌کنند کاملاً مشهود است. این توسعه‌ها باعث گسست بصری و کالبدی شده و بخشی از پیوستگی تاریخی محدوده را از بین برده است. علاوه بر این، تغییرات ریختی در قطعات این محلات را نمی‌توان نادیده گرفت. بخش مهمی از ساختار شکلی، سازمان فضایی و فرم‌ها در این قطعات با تغییراتی همراه بوده که اغلب بعد از دوره پهلوی (حدود سال های ۱۳۵۴ به بعد) قابل‌مشاهده هستند. فرم و سازمان فضایی شهر در این محدوده که تا پیش‌ازاین بر پیوند فضایی بین عناصر مرکز شهر و محلات (مسجد جامع، شاهزاده حسین، خیابان سپه، مهمان‌خانه قزوین، کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) و دیگر بناها) استوار بوده کاملاً ازهم‌گسسته شده است، موردی که تاج احمدی و زمانی فرد (TajAhmadi Tabrizi, & Zamanifard, 2022: 17) نیز آن را تصدیق می‌کنند. همچنین تغییر و تحولات در مقیاس معابر شهری و تغییرات آن‌ها در گذر زمان قابل‌توجه است. همان‌گونه که بحرینی (Bahreini, 2014: 4) اشاره می‌کند اساس هویت، شناسایی و مقایسه فرم و شکل شهرها وابسته به شکل خیابان‌ها و معابر هستند. این در حالی است که بخش مهمی از تغییرات در ساختار شهری محدوده مرکزی شهر قزوین در گذر زمان به واسطه همین تغییر و تحولات گذرها ایجاد شده است و امروزه یکپارچگی این محدوده‌ها را با چالش‌هایی همراه کرده است. در نهایت باید اذعان داشت که حفظ انسجام ساختاری و هویتی این محلات، باتوجه‌به ویژگی‌های آن‌ها در کارکردهای مذهبی، اقتصادی و اجتماعی، نه‌تنها در جهت حفظ هویت فرهنگی، بلکه در راستای ایجاد تداوم و ارتباط ساختاری در تحول شهری بسیار حیاتی و قابل توجه است.

۸. جمع‌بندی:

محدوده‌های تاریخی محله‌های راه‌ری، خیابان و خندق‌بار، هرکدام با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود و با وجود تغییرات در یکپارچگی آن‌ها، هنوز بخشی از هویت و ساختار اصیل خود را حفظ کرده‌اند. این محله‌ها، با وجود تغییرات و تحولات گسترده‌ای که طی سال‌ها به‌ویژه در دوران معاصر بر آن‌ها وارد شده، همچنان دارای ارزش‌های کالبدی و کارکردی هستند که حفظ آن‌ها می‌تواند به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند در راستای توسعه شهری مورد توجه قرار گیرد. ترکیب فضاهای مسکونی، خدماتی، تجاری و مذهبی در این محله‌ها، به‌ویژه در محله خیابان و راه ری، نمونه‌های بارز پیوستگی و یکپارچگی در بافت تاریخی است. کارکردهای مذهبی، اجتماعی و اقتصادی در این مناطق نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت محله‌ها داشته و این هویت همچنان در برخی فضاها مانند مسجد جامع، کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) و بخش هایی از خیابان شهدا قابل‌مشاهده است. ساختار کالبدی بافت تاریخی قزوین قبل از تغییرات عمده شامل ترکیب فضاهای مسکونی، تجاری، خدماتی و مذهبی بوده است که باعث پیوستگی و یکپارچگی شهری می‌شده است. به‌ویژه، بناهایی مانند مسجد جامع و کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) در حفظ این پیوستگی نقش داشته‌اند. با این حال، مطالعات نشان می‌دهند که از دهه‌های گذشته، این محدوده‌ها تحت‌تأثیر تحولات گسترده‌ای قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین تحول، احداث خیابان‌ها و شریان‌های ارتباطی جدید مانند خیابان راه‌آهن در دوران پهلوی اول و توسعه‌های شهری در دهه‌های اخیر بوده است. این تغییرات منجر به تخریب بخش هایی از این محله‌ها و ازبین‌رفتن بخشی از پیوستگی ساختاری آن‌ها شده است. به‌ویژه، ساخت خیابان‌ها و تغییرات در الگوهای پر و خالی فضاها موجب شده تا فضاهایی مانند کاروان‌سراها، خانه‌ها و کارگاه‌ها از رونق و کارکرد سابق خود باز بمانند. برخی از این بناها دیگر قادر به ارائه کارکردهای اجتماعی و اقتصادی سابق خود نیستند و روند نوسازی‌های غیرمتناسب با ویژگی‌های اصیل محله‌ها، باعث ازبین‌رفتن ارتباط ساختاری و بصری شده است.

در محله راه ری که همچنان هویت تاریخی و فرهنگی خود را از طریق گذرگاه‌های تاریخی و معماری قدیمی حفظ کرده است، مهم‌ترین تهدیدات ناشی از نوسازی‌های بی‌رویه و توجه ناکافی به اصول طراحی شهری در راستای حفظ هویت این محله است. در محله خیابان که یکی از شریان‌های اصلی شهر است، با تخریب بخش هایی از کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) و تغییرات در ساختار فضاهای عمومی، با فقدان ارتباط یکپارچه با محیط پیرامونی روبرو شده است. همچنین در محله خندق‌بار که از جمله بافت‌های قدیمی و غنی شهر محسوب می‌شود، کاهش هویت تاریخی به دلیل تغییرات گسترده در فضاهای مسکونی و خدماتی و همچنین تخریب بناهای تاریخی، موجب گسست در ارتباط بین فضاهای عمومی و خصوصی شده است. نتایج حاصل از این تغییرات ساختاری نشان می‌دهند که پیامدهای عمده آن شامل کاهش هویت تاریخی و فرهنگی محله‌ها، تخریب بخش های کلیدی از فضاهای اجتماعی و اقتصادی و ازدست‌دادن ارتباطات بصری و ساختاری میان فضاها بوده است. در نتیجه، باتوجه‌به بررسی‌های انجام‌شده و با تأکید بر اهمیت هویت اصیل محله‌های تاریخی، واضح است که این محله‌ها نیازمند برنامه‌ریزی و حفاظت ویژه‌ای با تکیه بر خطوط تاریخی اصیل هستند. لازم است تا ضمن حفظ و مرمت بناهای باارزش، همگرایی و پیوستگی ساختاری در این محله‌ها تقویت شود تا بتوان از میراث تاریخی این محله‌ها در کنار توسعه شهری پایدار بهره برد. هرگونه تغییرات در این مناطق باید با درنظرگرفتن اصول یکپارچگی و حفظ هویت شهری صورت گیرد تا از تخریب و نابودی میراث‌فرهنگی جلوگیری شود و این مناطق همچنان بتوانند نقش خود را در ساختار کلی شهر ایفا کنند. باتوجه‌به اهمیت این محدوده به‌عنوان یک بافت تاریخی ارزشمند، ضروری است که برنامه‌ریزی‌های آینده حداقل بر حفظ و ارتقا یکپارچگی تاریخی- ساختاری تأکید بیشتری داشته باشد تا ضمن حفظ هویت تاریخی با توجه به نشانه‌های اصیل گذشته، تعامل سازنده‌ای میان گذشته و نیازهای امروزی شهر شکل گیرد.

پی‌نوشت:

[۱] از آن جمله می‌توان به محققانی مثل دبیرسیاقی، ورجاوند، مجابی، پرهیزکاری و ... اشاره کرد.

[۲] از آن جمله می‌توان به احداث خیابان راه‌آهن و واپور و همچنین دخل و تصرفات در محدوده کاروانسرای خورشید (سعدالسلطنه) اشاره کرد.

[3] Integrity
[4] Wholeness
[5] Completeness
[6] Honesty
[7] Purity
[8] Uprightness
[9] Coherent
[10]. "… All elements …" and "… The Complete representation …"
[11] "… The features and processes which convey the property's significance …"
[12] Wholeness
[13] Historical-Structural Integrity
[14] Social-Functional Integrity
[15] Visual-Aesthetic Integrity
[16] Wholeness

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

[17] Intactness
[18] The spatial identification of the elements
[19] Spatial-environmental whole of the area

[۲۰] نقل است در انتخاب محل احداث ایستگاه شخص رضاشاه پهلوی دخیل بوده است و به دستور وی امتداد خیابان دولتی برای اتصال به ایستگاه راه آهن بازگشایی می‌شود که حاصل آن تخریب میراث ارزشمندی چون مهمانخانه قزوین و صدمهٔ کلی به کاروانسرای سعدالسلطنه است. هم اکنون خیابان راه آهن کاروانسرای سعدالسلطنه را به دونیم کرده است (Haji Maleki, 2010).

[۲۱] این خیابان از دروازه تهران آغاز می‌شد، به مهمان‌خانه قزوین می‌رسید و سپس به خیابان سپه (دولتی) متصل می‌شد و دسترسی به مرکز شهر و شاهزاده حسین را فراهم می‌کرد. نام آن برگرفته از واپور (ماشین بخار) است که در آن زمان در این مسیر تردد داشتند.

[۲۲] گفتنی است این خیابان، به‌عنوان نخستین خیابان دوطرفه ایران، از آغاز ساخت خود تاکنون، در طول دهه‌های مختلف در اثر ساخت‌وسازها و تخریب‌های مداوم، دچار دگرگونی‌هایی شده‌است. تحولات کالبدی این خیابان، نه‌تنها باعث تغییر در فرم شهری شده، بلکه حتی ساختار فضایی دستخوش تغییراتی شده و آن را از چهارچوب تاریخی و ساختاری اصیلش منحرف کرده‌است.

منابع / References

Bahreini, Hossein (2014) Analysis of Urban Spaces. Tehran: Tehran University Publishing Institute. (In Persian).

[بحرینی، حسین. (۱۳۹۳). تحلیل فضاهای شهری. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.]

Basiri, S., Vatandoost, R., Emami, S. M. A., & Ahmadi, H. (1393/2015). Explanation the concept of Integrity in the field of museum works, in terms of determining the affecting factors on it. *Journal of Conservation and Architecture in Iran, 4*(8), 111-131. http://mmi.aui.ac.ir/article-1-126-fa.html (In Persian)

[بصیری، سمیه؛ وطن دوست، رسول؛ امامی، سید محمدامین و احمدی، حسین. (۱۳۹۳). تبیین مفهوم تمامیت در حوزه آثار موزه‌ای از منظر تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر آن. نشریه علمی مرمت و معماری ایران، ۴ (۸): ۱۳۱-۱۱۱. http://mmi.aui.ac.ir/article-1-126-fa.html]

Basiri, S., Vatandoost, R., Emami, S. M. A., & Ahmadi, H. (1393/2014). Historical and ideological courses of cultural heritage protection from the perspective of the conceptual position of integrity. *Journal of Islamic Studies: History and Culture, 46* (92), 85-108. 10.22067/history.v46i9.28737 (In Persian)

[بصیری، سمیه؛ وطن‌دوست، رسول؛ امامی، سید محمدامین و احمدی، حسین. (۱۳۹۳). سیر تاریخی و اندیشه‌ای حفاظت میراث فرهنگی از منظر جایگاه مفهومی تمامیت (یکپارچگی). نشریه مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ۴۶ (۹۲)، ۱۰۸-۸۵. 10.22067/history.v46i9.28737]

TajAhmadi Tabrizi, H., Zamanifard, A. (1399/2022). 'Change Management as an Approach in Pathology and Evaluation of Historical Urban Landscapes Case Study: Central Area of Historical Fabric of Qazvin', *Journal of Architecture and Urban Planning, 15*(36), pp. 5-26. doi: 10.30480/aup.2021.2754.1560. 10.30480/aup.2021.2754.1560 (In Persian).

[تاج‌احمدی تبریزی، حنانه؛ و زمانی‌فرد، علی. (۱۳۹۹). رهیافتی بر جایگاه مدیریت تغییر در حفاظت از مناظر شهری تاریخی بررسی موردی: محدوده مرکزی بافت تاریخی قزوین. نشریه نامه معماری و شهرسازی، ۱۵ (۳۶)، ۲۶-۵. 10.30480/aup.2021.2754.1560]

Parhizkari, M. (1390/2011). *Collection of Articles from Qazvin: A Look at the Municipality* (Volume 1). Tehran: Ronas Publishing. (In Persian)

[پرهیزکاری، مهرزاد. ۱۳۹۰. مجموعه مقالات قزوین: با نگاهی به بلدیه (جلد ۱). تهران: نشر روناس.]

Pour Bahadur, P., Fadainejad Bahramjerdi, S. (1397/2018). Recognizing the theoretical framework of the approach to the preservation of the historic urban landscape. *Iranian-Islamic Urban Studies Quarterly.* 8 (31): 63-73. http://noo.rs/wzF02 (In Persian)

[پور بهادر، پوپک، و سمیه فدائی‌نژاد بهرامجردی. ۱۳۹۷. بازشناسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۸ (۳۱): ۶۳-۷۳. http://noo.rs/wzF02]

Jeyhani, H. R., Parichehr, S. (1397/2018). Evaluation of the spatial structure change of the urban area of Mohtasham Kashan. *Kashan Studies*, 2 (13): 31-48. 10.22052/2.13.31 (In Persian)

[جیحانی، حمیدرضا، و پریچهر شفیعی. ۱۳۹۷. ارزیابی تغییر ساختار فضایی محدوده شهری محتشم کاشان. کاشان‌شناسی ۲ (۱۳): ۳۱-۴۸. 10.22052/2.13.31]

Jayhani, H. and Saberi, S. (1401/2023). Integrity Evaluation in Historic Urban Areas: The Study of Sultan Amir Ahmad Neighborhood and its Surroundings in Kashan. *Journal of Iranian Architecture Studies, 11*(22), 55-79. doi: 10.22052/jias.2023.248282.1105. 10.22052/jias.2023.248282.1105 (In Persian)

[جیحانی، حمیدرضا، و ثمینه صابری. ۱۴۰۱. ارزیابی یکپارچگی در محدوده‌های شهریِ تاریخی باتکیه‌بر مطالعهٔ محلهٔ سلطان امیراحمد کاشان و محدوده‌های پیرامون. دوفصلنامه معماری ایرانی. ۲۲: ۵۵-۷۹. 10.22052/jias.2023.248282.1105]

Haji Maleki, E. (1389/2010). Documentation and damage assessment of the historical Saad al-Saltaneh caravanserai (Qazvin, Rah-e Ray neighborhood). Qazvin Province Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization (In Persian)

[حاجی ملکی، الهام. (۱۳۸۹). مستندسازی و آسیب‌نگاری کاروانسرای تاریخی سعدالسلطنه (قزوین، محله راه‌ری). سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین.]

Hanachi, P., Khadem-zadeh, M. and Farahani, H. (1402/2023). The Relationship of Authenticity and Integrity in Architectural Heritage Restoration. *Journal of Iranian Architecture Studies, 12*(23), 215-229.10.22052/jias.2023.252972.1207 (In Persian)

[حناچی، پیروز؛ خادم‌زاده، محمد حسن و فراهانی، هانیه. (۱۴۰۲). نسبت اصالت و یکپارچگی در مرمت میراث معماری. مطالعات معماری ایران،

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

۱۲(۲۳)، ۲۱۵-۲۲۹. [2023.252972.1207.jias/10.22052]

Dabirsiyaghi, M. (1320/2002). *The historical course of the construction of the city of Qazvin and its buildings since the beginning of 1320 SH*. Qazvin: Hadith Emroz. (In Persian)

[دبیرسیاقی، محمد. ۱۳۸۱. سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن از آغاز سال ۱۳۲۰ هجری شمسی. قزوین: حدیث امروز.]

National Cartographic Center of Iran. (1335/1956). *Aerial Photographs of Qazvin Region (Sc 1:6000)*. Tehran: National Cartographic Center of Iran (In Persian)

[سازمان نقشه‌برداری کشور. ۱۳۳۵. عکس‌های هوایی مربوط به محدوده شهر قزوین (مقیاس ۱:۶۰۰۰). تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.]

---. (1347/1968). *Aerial Photographs of Qazvin Region (Sc 1:10000)*. Tehran: Iran National Cartographic Center (In Persian)

[---. ۱۳۴۷. عکس‌های هوایی مربوط به محدوده شهر قزوین (مقیاس ۱:۱۰۰۰۰). تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.]

---. (1354/1975). *Aerial Photographs of Qazvin Region (Sc 1:4000)*. Tehran: Iran National Cartographic Center (In Persian)

[---. ۱۳۵۴. عکس‌های هوایی مربوط به محدوده شهر قزوین (مقیاس ۱:۴۰۰۰). تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.]

---. (1373/1994). *Aerial Photographs of Qazvin Region (Sc 1:8000)*. Tehran: Iran National Cartographic Center (In Persian)

[---. ۱۳۷۳. عکس‌های هوایی مربوط به محدوده شهر قزوین (مقیاس ۱:۸۰۰۰). تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.]

Sharghi, A., & Alimardani, M. (1396/2017). Analysis and evaluation of factors affecting the integrity of the urban fabric in public spaces in historical contexts;(case study: neighborhood center Shahidghah in Ardabil). *Journal of Urban Management*. 16(47): 301-316. http://ijurm.imo.org.ir/article-1-1775-fa.html (In Persian)

[شرقی، علی، مسعود علیمردانی، یوسف جهانزمین، و شهرزاد جهانزمین. ۱۳۹۶. تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر انسجام کالبد شهری در فضاهای عمومی واقع در بافت‌های تاریخی (نمونهٔ موردی: مرکز محلهٔ شهیدگاه اردبیل). نشریهٔ مدیریت شهری ۱۶(۴۷): ۳۰۱ ۳۱۶.
http://ijurm.imo.org.ir/article-1-1775-fa.html]

Fadae-Nejad Bahramjerdi, S., Eshrat, P., & Hanachi, P. (1398/2019). *Authenticity and Integrity in Cultural Landscape Conservation. Tehran: Samt Publications.* (In Persian)

[فدائی‌نژاد، سمیه؛ عشرتی، پرستو؛ و حناچی، پیروز. (۱۳۹۸). اصالت و یکپارچگی در حفاظت منظر فرهنگی. تهران: انتشارات سمت.]

Fadaei Nezhad Bahramjerdi, S. and Eshrati, P. (1393/2015). Analysis of Authenticity Recognition Components in Cultural Heritage Conservation. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning, 19*(4), 77-86. doi: 10.22059/jfaup.2015.55697. 20.1001.1.22286020.1393.19.4.7.7 (In Persian)

[فدائی‌نژاد، سمیه؛ و عشرتی، پرستو. (۱۳۹۳). واکاوی مؤلفه‌های بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۱۹(۴)، ۸۶-۷۷. 20.1001.1.22286020.1393.19.4.7.7]

Kavian, M., Massoud, M. and Talebian, M. H. (1398/2020). Explaining Integrity in Landscape; Presenting a New Conceptual Model. *Journal of Architectural Thought,* 4(7), 189-207. 10.30479/at.2020.12094.1378 (In Persian)

[کاویان، مجتبی؛ مسعود، محمد و طالبیان، محمدحسن. (۱۳۹۸). بیان یکپارچگی در منظر؛ ارایه یک مدل مفهومی جدید. اندیشهٔ معماری، ۴(۷)، ۱۸۹-۲۰۷. 2020.12094.1378.at/10.30479]

Golriz, S. A. (1369/1980). *Minudar Bab or Bab al-Jannah Qazvin*. Tehran: Nashahreh, Jawaneh Books. (In Persian)

[گلریز، سید محمدعلی. ۱۳۶۹. مینودر یا باب‌الجنه قزوین، شرح حال و آثار رجال و دانشمندان قزوین. تهران: نشرطه، کتاب‌های جوانه.]

Mojabi, S. M. (1388/2009). *In Search of Qazvin Urban Identity*. Tehran: Urban Planning and Architecture Research Center (UARC). (In Persian)

[مجابی، سید مهدی. ۱۳۸۸. در جستجوی هویت شهری قزوین. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.]

Mansouri, A., Dizani, E. (1397/2018). *The Evolution of Qazvin City Spatial Organization from the Beginning to the Contemporary Era*. Tehran: Nazar Research Institute (In Persian)

[منصوری، امیر و دیزانی، احسان. (۱۳۹۷). سیر تحول سازمان فضایی شهر قزوین از ابتدا تا دوران معاصر. تهران: پژوهشکده نظر.]

Varjavand, P. (1377/1998). The History and Culture of Qazvin: The Culture of the Land of Qazvin, an Attitude to the Situation, Population, ... (Volume 2). Tehran: Ney Publishing (In Persian)

[ورجاوند، پرویز. (۱۳۷۷). سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین: فرهنگ سرزمین قزوین، نگرشی بر موقعیت، جمعیت، ... (جلد ۲). تهران: نشر نی.]

Alai, C. (2010). Special maps of Persia 1477-1925. Brill.

Ashrafi, B., Kloos, M., & Neugebauer, C. (2021). Heritage impact assessment, beyond an assessment tool: A comparative analysis of urban development impact on visual integrity in four UNESCO World Heritage properties. *Journal of Cultural Heritage*, 47, 199–207. https://doi.org/10.1016/j.culher.2020.08.002

Clavir, miriam. (1998). (The social and historic construction of professional values in conservation). studies in conservation. Volume 43, number

English Heritage. (2008). Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment, London: English Heritage.

Fadaei Nezhad Bahramjerdi, S., Eshrati, P., & Eshrati, D. (2016). Developing a Conceptual Framework of Integrity in Urban Heritage Conservation. *Armanshahr Architecture & Urban Development,* 9(16), 95-104. https://www.armanshahrjournal.com/article_33272.html?lang=en

Gullino, P., & Larcher, F. (2013). Integrity in UNESCO World Heritage Sites. A Comparative Study for Rural

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

2011-2012. France: Paris

Roca, L. (2015). Using aerial photography to study Mexico City: The El Caballito Circle. *Architectural Histories*, 3(1), 1–17. https://journal.eahn.org/article/id/7493/

Rossler, M. (2008). Applying authenticity to cultural landscapes. *APT bulletin*, 39(2-3). https://www.jstor.org/stable/25433952

Stovel, H. (2007). Effective Use of Authenticity and Integrity as World Heritage Qualifying Conditions. *City & Time*. 2(3): 3. http://www.ceci-br.org/novo/revista/docs2007/CT-2007-71.pdf

UNESCO. (1954). Draft Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict. UNESCO. https://www.unesco.org/en/legal-affairs/convention-protection-cultural-property-event-armed-conflict-regulations-execution-convention

UNESCO. (1968). Meeting of Experts to Co-Ordinate, With a View to their International Adoption, Principles and Scientific, Technical and Legal Criteria applicable to the Protection of Cultural Property, Monuments and Sites. France: Paris. https://whc.unesco.org/en/documents/1530

UNESCO–WHC. (2005). Operational Guidelines for the implementation of the World Heritage Convention. Paris: World Heritage Centre. https://whc.unesco.org/archive/opguide05-en.pdf

Zancheti, S. M., Flaviana, L., & Rosane, P. (2009). Judging the authenticity of the city. conserving the authentic: essays in honour of Jukka Jokilehto (163-168), ICCROM Conservation Studies, and International Center for the study of preservation and Restoration of Cultural Property.

Landscapes. *Journal of Cultural Heritage*, 14, 389-395. https://doi.org/10.1016/j.culher.2012.10.005

ICOMOS. (1964). International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter). *Proceedings of the ICOMOS*. Italy. Venice. https://icahm.icomos.org/wp-content/uploads/2017/01/1964-Venice-Charter.pdf

ICOMOS. (1976). Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas. Nairobi. Kenya. https://www.unesco.org/en/legal-affairs/recommendation-concerning-safeguarding-and-contemporary-role-historic-areas

ICOMOS. (1987). Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas (Washington Charter 1987).https://civvih.icomos.org/wp-content/uploads/2022/03/Charter-of-Washington_10_1987.pdf

ICOMOS. (1996). The Declaration of San Antonio: Authenticity in the Conservation and Management of the Cultural Heritage, ICOMOS National Committees of Americas. San Antonio, USA. https://www.icomoscr.org/doc/teoria/DOC.1996.declaracion.san.antonio.pdf

ICOMOS. (1994). The Nara document on authenticity. *Proceedings of the ICOMOS, Nara, Japan*. https://www.iccrom.org/sites/default/files/publications/2020/05/convern8_06_thenaradocu_ing.pdf

Jokilehto, J. (2002). *History of Architectural Conservation*. Routledge.

Jokilehto, J. (2007). International charters on urban conservation: some thoughts on the principles expressed in current international doctrine. *City & time,* 3(3), 2.

Khalaf, R.W. (2020). The Implementation of the UNESCO World Heritage Convention: Continuity and Compatibility as Qualifying Conditions of Integrity. *Heritage*, 3(2), 384–401. https://doi.org/10.3390/heritage3020023

Morgan, Jeff. Alto, Palo. (2009). (Saving Our Global Heritage Scientific Conservation and Master Planning for Sustainable World Heritage Preservation in Developing Economies) A Model for Integrated Community-Based Conservation and Development, Bantian: GHF Technical White Paper.

Mitchell, N. J. (2008). Considering the authenticity of cultural landscapes. *APT bulletin,* 39(2-3), 25-31. https://www.jstor.org/stable/25433948

O'Donnell, P. M., & Turner, M. (2012). The Historic Urban Landscape Recommendation: A New UNESCO Tool for a Sustainable Future. 49th IFLA World Congress: Landscapes in Transition. Cape Town, South Africa, 5-7 September.

Van Oers, R. (2013). Swahili historic urban landscapes: report on the historic urban landscape workshops and field activities on the Swahili Coast in East Africa

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

To preserve these areas effectively, we need to focus on historic elements, strengthen structural unity, and integrate original design concepts into modern city planning. Future plans should highlight structural and historical integrity to protect cultural identity while allowing for sustainable urban growth, ensuring these neighborhoods remain vital parts of Qazvin's historic urban landscape.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

focus on structural challenges and changes in its historic neighborhoods over time. An analysis of the earliest available city maps from 1918, along with aerial images up to the present, shows significant modifications. These include street construction, the demolition of heritage buildings, and new development, especially in the Rāh-Rey, Khandaq-Bār, and Khīābān neighborhoods. Such changes have fragmented the historical structure, making it hard to recognize the original features of these areas. Therefore, a systematic evaluation of structural-historical integrity using historical maps, field surveys, and comparative analysis is critical for understanding urban transformations. It will also help guide strategies for preservation and sustainable management. This study aims to address the following key questions: How was the central structure of Qazvin's historic fabric organized before major physical changes? What transformations have affected the neighborhoods' cohesion over time? What are the consequences of these structural modifications on urban integrity?

Materials and Methods

This study looks at the historical and structural integrity of certain neighborhoods in Qazvin. It treats integrity as a key element for preserving the historic urban area. The research is qualitative and fits within an interpretive framework. It uses a descriptive and analytical method to explore the physical and structural conditions of the historic area. The study uses field surveys and visual documentation to accurately assess changes over time. First, a thorough review of international charters and expert opinions was done to define integrity, especially structural-historical integrity, and its parts within urban heritage. From this review, a model for studying and evaluating integrity was created, which became the descriptive basis of the research. Then, integrity in the chosen neighborhoods was assessed using a comparative and analytical approach. Historical maps and aerial photos of Qazvin, including maps from 1918 (1297 SH) and aerial images from 1956, 1968, 1975, 1994, and 2024, were systematically analyzed. All historical maps and images were digitized and converted into detailed engineering maps using AutoCAD, both for the neighborhoods and their surrounding areas. This allowed for thorough spatial comparisons over time. This approach helped identify and analyze structural changes in the neighborhoods and their outskirts. Additionally, the level of cohesion and continuity in Rāh-Rey, Khandaq-Bār, and Khīābān was evaluated by comparing historical features with present conditions.

Results & Discussion

As discussed in the theoretical framework, evaluating structural-historical integrity requires attention to continuity, change, balance, and significance over time. Integrity and authenticity are related ideas in heritage conservation. Authenticity preserves historical evidence and meaning, while integrity ensures a complete structural, conceptual, and material state (UNESCO-WHC, 2005). In Qazvin's historic urban fabric, these ideas are closely linked. The transmission of a place's genuine identity depends on its integrity (Rossler, 2008). Analyzing historical maps and aerial photographs from 1918 to 2024 shows significant structural changes in the central neighborhoods of Rāh-Rey, Khandaq-Bār, and Khīābān. Major projects, such as building Railway Street and expanding Sepeh Street partially destroyed historic buildings like the Qajar guesthouse and sections of the Khorshid caravanserai (Sa'd al-Saltaneh). These developments altered street layouts, disrupted traditional routes, and fragmented urban continuity. Reforms during the Pahlavi period and after 1975 made the structural breaks even worse and Commercial uses changed the neighborhood's identity.

Despite these changes, several key heritage elements like the Jameh Mosque, Sheikh al-Islam Mosque, and Sardar Bozorg Ab-Anbar have kept their spatial and symbolic significance, showing the resilience of urban identity. The analysis indicates that streets and spatial arrangements play an important role in maintaining cohesion. In areas where traditional forms and block patterns remain, the integration of historic buildings with surrounding public spaces strengthens identity. In Rāh-Rey, a continuity of religious and economic activities helps preserve the historical character. In Khīābān, despite urban changes, visual and functional aspects still reflect an authentic neighborhood identity. Khandaq-Bār, especially in historic and religious areas, maintains structural coherence, although changes in use pose challenges to its overall integrity. Overall, the study shows that even though structural and functional changes have fragmented historical neighborhoods, careful preservation of spatial organization, historic landmarks, and social functions can enhance cohesion and continuity. Keeping structural-historical integrity in these neighborhoods is essential not only for cultural identity but also for maintaining functional and spatial links in the changing urban landscape of Qazvin.

Conclusion

The historic neighborhoods of Rāh-Rey, Khandaq-Bār, and Khīābān have kept important parts of their original identity, even with many changes over time. These areas still show valuable physical and functional traits. They include a mix of homes, shops, monuments, and services, which help keep the neighborhood intact and continuous. Key heritage buildings, like the Jameh Mosque, Sardar Bozorg Ab-Anbar and Khorshid Caravanserai (Sa'd al-Saltaneh), are crucial in preserving this historical character. However, urban projects, especially street construction, transport expansions, and unsuitable renovations, have disrupted structural and visual links, hurting the overall integrity.

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]

Structural-Historical Integrity in the Historic Urban Fabric of Qazvin: of the Rāh-Rey, Khandaq-Bār, and Khīābān Neighborhoods

Fatemeh Farhani[1], Reza Rahimnia[2*]

1. Master of Architectural and Urban Heritage Conservation, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

2. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

rahimnia@arc.ikiu.ac.ir*, ORCID: 0000-0002-3582-0637

Received: 2025.04.17

Accepted: 2025.11.17

doi: https://10.66224/kcr.8.3.97

Knowledge of Conservation and Restoration

pISSN: 2538-6093 eISSN: 3060-6217

This journal adheres to COPE guidelines. Access to this article is free for all. Any non-commercial use of it is permitted, provided appropriate attribution is given.

The conservation of structural and historical integrity in historic cities is a major challenge due to urban growth. Changes in integrity and the loss of authentic historical context have led to a decline in the city's historical identity. This study looks at integrity within the historic areas of Qazvin, focusing on the Rāh-Rey, Khandaq-Bār, and Khīābān neighborhoods. We developed key evaluation indicators based on conservation principles and theories, applying them at both neighborhood and broader levels. The methodology included archival research, historical maps and images from 1918 to today, and field surveys to track spatial and structural changes. The findings show that changes in urban structure have disrupted historical identity and continuity, especially along key historical pathways. The study concludes that strengthening structural integrity and protecting authentic values are vital for balancing heritage preservation with ongoing urban development.

Keywords: Qazvin, Historic Urban Fabric, Integrity, Historical-Structural Integrity, Continuity

Introduction

Historic urban fabrics are invaluable remnants of a city's cultural and structural heritage. However, extensive changes over recent decades have made it difficult to identify their original characteristics. Studying these neighborhoods is like examining the historical identity of cities. They reflect structural and functional patterns that have developed over time. These elements define the cultural profile of urban areas and provide important insight into their historical and social evolution. One key aspect in examining historic urban fabrics is the concept of integrity. This includes multiple dimensions and serves as a foundation for heritage conservation. International charters, such as the Venice Charter (1964) and the Nara Document on Authenticity (1994), stress the importance of structural and visual integrity. They highlight its essential role in evaluating, managing, and planning the protection of historic urban environments. Despite these guidelines, many historic cities in Iran, especially those from the post-Qajar period, have undergone significant transformations. These changes have disrupted structural-historical integrity and could impact cultural, social, and economic identity. In Qazvin, while the city's history is well-documented, there has been less

[Downloaded from journal.richt.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.66224/kcr.8.3.97]